

یشاق شرف در دعوت

به سوی ایجاد دعوتی میانه روانه

دکتور هشام طالب

ترجمهٔ سوما نظری و نادیا امینی

چاپ دوم - با افزودگی ها و ویرایش جدید

۲۰۱۹ م

میتاق شرف در دعوت

به سوی ایجاد دعوتی میانه‌روانه

دکتور هشام طالب

ترجمهٔ سوما نظری و نادیا امینی

چاپ دوم - با افزودگی‌ها و ویرایش جدید

۲۰۱۹ م



نام کتاب:

میثاق الشرف الدعوی

میثاق شرف در دعوت

مؤلف: دکتر هاشم طالب

ترجمه: سوما نظری و نادیا امینی

صفحه آرایشی: انتشارات قدس

ناشر: المعهد العالمي للفكر الإسلامي

چاپی و صحافی: شرکت چاپی و نشر قدس مبارک

تیراژ: (۱۰۰۰) جلد

چاپ اول - با افزودگی ها و ویرایش جدید: خزان ۱۳۹۸

هر نوع کاپی برداری بدون اجازه ناشر ممنوع می باشد.

در صورت مشاهده با متخلفین برخورد قانونی صورت میگیرد.

مرکز پخش: انتشارات قدس - مقابل پوهنتون هرات

نمبر تماس: ۰۷۸۱۱۹۴۹۹۰ - ۰۷۹۸۱۹۴۹۹۰ - ۰۷۰۳۱۹۴۹۹۰



quds4990



publicationquds@gmail.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَالْعَصْرِ ۝ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۝ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ۝﴾

ایدئولوژی این پیمان‌نامه

فراخوانی‌یی است برای همهٔ مسلمانان، به ویژه دعوت‌گران، برای آشنایی با مجموعه‌یی از اصول، قواعد و ایدئولوژی‌ها که مجموعاً میثاق شرف در کار دعوت و دستورالعمل تربیتی را برای اصلاح اندیشه و عمل (فکری و اجرایی) شکل می‌دهد، تا از این طریق دایرهٔ هم‌سازی، درست‌کاری و کارآیی افزایش یافته و دایرهٔ اختلافات، اشتباهات و ناکارآیی‌ها کاهش بیابد.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمهٔ چاپ دوم	۱۳
مقدمهٔ چاپ نخست	۱۷
نگاهی به پیمان نامه	۲۹
محور نخست: اسلامی که بدان فرامی خوانیم!	۳۳
۱- توحید تمام و کمال	۳۵
۲- دین توحید و یک پارچگی	۳۷
۳- بازگشت به مصادر اصیل	۳۸
۴- اسلام دین الهی است و آن است دینی همه شمول	۳۹
۵- شمولیت معنی عبادت	۴۰
۶- برادری اسلامی	۴۱
۷- مؤمن قوی	۴۱
۸- آژیر خطر دیانت مغشوش و ناخالص	۴۲

- ۹- طاعت‌ها و گناه‌ها ۴۳
- محور دوم: قضایای اسلامی** ۴۵
- ۱۰- خانواده در آیین اسلام ۴۷
- ۱۱- زن در آیین اسلام ۴۷
- ۱۲- آزادی در آیین اسلام ۴۸
- ۱۳- حقوق انسان در آیین اسلام ۴۹
- ۱۴- برادری انسانی در آیین اسلام ۵۰
- ۱۵- دو وابستگی و انتساب به هم پیوسته ۵۰
- محور سوم: ارتباط میان کارکنان دعوت در سطح فرد و سازمان** ۵۱
- ۱۶- تکامل کار دعوی ۵۳
- ۱۷- احترام به تخصص ۵۳
- ۱۸- دعوت‌گر و به‌ترین موقعیت ۵۳
- ۱۹- جاده مشترک ۵۴
- ۲۰- وحدت اندیشه ۵۵
- ۲۱- گروهی از مسلمانان ۵۶
- ۲۲- در میان رسمیت و ملیت ۵۶
- ۲۳- کار سازمانی ۵۷
- ۲۴- روحیه کار گروهی ۵۷
- ۲۵- شوری ۵۸
- ۲۶- تناوب و دست به دست شدن صلح‌آمیز ۵۸
- ۲۷- خصوصیت مطلوب ۵۹
- ۲۸- تقدیر نه تقدیس ۵۹

- ۲۹-مرحبا به دیگران ۶۰
- ۳۰-راه درست را منحصر به خود نمی‌دانیم ۶۱
- محور چهارم: توسعه و کارایی بخشی در فعالیت‌های دعوی** ۶۳
- ۳۱- مشخص کردن اهداف ۶۵
- ۳۲- به سوی آینده ۶۶
- ۳۳- نوآوری بینش‌مندانه ۶۷
- ۳۴- خودکفایی ۶۸
- ۳۵- الگو و نمونه‌ی برای پیروی ۶۸
- ۳۶- جای‌گاه و منزلتی که درخواست نمی‌شود ۶۸
- ۳۷- شایسته‌سالاری ۷۰
- ۳۸- چاره‌ی جز پای‌بندی نیست ۷۰
- ۳۹- نرگسی‌ها و لحظه‌جدایی ۷۱
- ۴۰- روحیه‌ مثبت‌اندیشی ۷۲
- ۴۱- دو دایره تأثیرگذاری و دل‌نگرانی ۷۲
- ۴۲- مسؤولیت بشریت ۷۴
- ۴۳- بلکه ایشان خود مسؤول اند ۷۴
- ۴۴- ارزش‌مندی محاسبه ۷۵
- محور پنجم: فقه دعوت** ۷۷
- ۴۵- فقه اجتهاد گروهی ۷۹
- ۴۶- فقه اختلاف ۷۹
- ۴۷- فقه‌گرایش به مذاهب فقهی ۸۱

۴۸- فقه مقاصد.....	۸۲
۴۹- فقه اولویت‌ها.....	۸۳
۵۰- فقه نتایج و پیامدها.....	۸۳
۵۱- فقه واقعیت کنونی.....	۸۴
۵۲- فقه میانه‌روی و اعتدال.....	۸۴
۵۳- فقه مصالح و مفاسد.....	۸۵
۵۴- فقه سنت‌های الهی.....	۸۶
۵۵- فقه تدریج.....	۸۶
۵۶- فقه مرحله‌گرایی.....	۸۷
۵۷- فقه گزینش.....	۸۸
۵۸- فقه تعامل با فتنه‌ها.....	۸۹
محور ششم: قضایای سیستماتیک و روش‌مند	۹۱
۵۹- اسلام و فعالیت‌های دعوی.....	۹۳
۶۰- روش و برنامه به‌تر.....	۹۳
۶۱- دعوت عمومی.....	۹۴
۶۲- سرچشمه و مصدر همان اصول قرآنی است.....	۹۴
۶۳- آغاز از آن‌جایی که آن‌ها دست کشیدند.....	۹۴
۶۴- نوشته‌های واضح و آشکار.....	۹۵
۶۵- اصطلاحاتی دقیق.....	۹۵
۶۶- افزایش حس خطر.....	۹۶
۶۷- با همی اخلاص و درستی در کار.....	۹۷
۶۸- شور و هیجان ضابطه‌محور.....	۹۸

- ۶۹- دلیری و بی‌باکی در انجام کار..... ۹۹
- ۷۰- دلیری و بیباکی در فروگذاری کار..... ۹۹
- ۷۱- آرامشی مطلوب..... ۱۰۰
- ۷۲- اعتباردهی به مسمی نه اسم..... ۱۰۰
- ۷۳- جوامع مسلمان ما؛ اما..... ۱۰۱
- ۷۴- تازه‌راه‌یافتگان..... ۱۰۲
- ۷۵- پیروزی‌ها و شکست‌ها..... ۱۰۲
- ۷۶- احادیث مربوط به فتنه‌ها و هرج و مرج‌ها..... ۱۰۳
- ۷۷- آینده در قلمرو اسلام..... ۱۰۴
- محور هفتم: اهداف، ابزار و سایل..... ۱۰۵**
- ۷۸- اهداف و وسایل..... ۱۰۷
- ۷۹- توجه به افراد نخبه و برجسته..... ۱۰۷
- ۸۰- فن سخنرانی و ادبیات آن..... ۱۰۷
- ۸۱- زمانی که مفضل اولی است..... ۱۰۸
- ۸۲- شادی و نشاط مطلوب..... ۱۰۸
- ۸۳- نه برای بگومگو..... ۱۰۹
- ۸۴- اهمیت زبان عربی..... ۱۰۹
- ۸۵- با هم بودن وسیله و هدف..... ۱۱۰
- محور هشتم: هشدارهای روش‌مند..... ۱۱۱**
- ۸۶- رسالت نه پیشه..... ۱۱۳
- ۸۷- مرجع رهبری واحد..... ۱۱۳

- ۸۸- نیرنگ تغییر و دگرگونی ۱۱۴
- ۸۹- عکس العمل ۱۱۵
- ۹۰- رفاه طلبی و زیاده روی عقلی ۱۱۵
- ۹۱- تعصب و جانب داری ۱۱۶
- ۹۲- چیرگی و برتری جویی؛ اما ۱۱۷
- ۹۳- عادت نه دین و آیین ۱۱۸
- ۹۴- به عقب رفتن، به روی افتادن، سستی کردن ۱۱۸
- ۹۵- شب نشینی های بی جهت و هلاکت بار ۱۲۰
- ۹۶- کوتاهی جدی و فراگیر ۱۲۱
- ۹۷- خطرهای پنهان کاری ۱۲۱
- ۹۸- خطرهای عمومیت بخشی و کلی گویی ۱۲۲
- ۹۹- دسیسه چینی ۱۲۳
- ۱۰۰- تناقضات سودمند ۱۲۴
- پایان سخن ۱۲۶

مقدمه مترجم

الحمد لله الذى خلق الإنسان وكرمه وخلق نبيه صلى الله عليه وسلم وعزّه، جعل له أمة سمّاها «خير أمة» لأمرهم بالمعروف ونهيهم عن المنكر وإيمانهم بالله. فجعلهم أخواناً مؤمنين يشدّ بعضهم عضد بعض و يرشد بعضهم بعضاً للنجاة من العقوبة والفوز على المثوبة.

خدا را سپاس گزاریم که به وعده اش - همان طور که سزاوار خدایی او است - وفا نمود و نمودهایی از نصرت دینش را نمایان نمود. ایجاد و فعالیت سازمان ها و نهادهای مختلف دعوی در گوشه و کنار دنیا، حتی در کشورهای که در آن ها با اسلام مخالفت می شود، نشانه آغاز نصرت دین الهی است. همه این فعالیت های دعوی برای هر مسلمانی، مایه شادی و خوشی است؛ اما پوشیده نیست که در آن ها کاستی ها و نقص هایی نیز وجود دارد که قابل تعدیل و اصلاح است.

حرکت های دعوی معاصر به طور کل مشکلاتی دارد که باید با دستورالعمل های تربیتی مشخص و بی طرف در صدد اصلاح آن برآمد. ما می دانیم که نخستین آیین نامه و دستور العمل بی نقص قرآن عظیم است که منبعی ربانی بوده و دست بشر از ایجاد نقص در آن کوتاه است، پس از آن سنت مطهر نبوی صلی الله علیه و سلم در جای گاه دوم قرار دارد و به عنوان مصدر و دستور العمل درجه دو شناخته می شود. در واقع همین دو سرچشمه و نوشته هایی که بر پایه این دو اصل اند، می تواند برای مان راه اصلاح و بازبینی در برنامه های دینی و دنیوی مان را نشان مند نماید.

کتابی را که در دست دارید، یکی از آن نوشتارها است که به عنوان دستورالعمل تربیتی برای اصلاح اندیشه های دعوی، بر پایه قرآن و سنت شکل یافته و با کمال میانه روی، به دور از هر گونه افراط و تفریط ما را به بازبینی اندیشه های

دعوی مان فرامی خواند. دکتور هشام طالب یکی از رهبران دعوت گر در منطقه، نویسنده این کتاب بوده و آن را به نام «میثاق الشرف الدعوی» نام گزارده و هدف کلی از این میثاق یا عهدنامه را چنانچه در مقدمه نویسنده دیده می بینیم، چنین تبیین می کند: «هدایت گری مسیر فعالیت های دعوی، نزدیک کردن فرزندان دعوت به هم دیگر و پیش نهاد افق های نوین برای آن». هدفی میمون برای دعوت های میمون جامعه اسلامی.

امروزه جامعه اسلامی با اختلافات بسیاری مواجهه است که گاه دامن فعالیت های دعوی را نیز فرا می گیرد، دعوت گران را به گروه ها و فرقه های مختلف تبدیل می کند و حتی برخی اوقات حرکت های دعوی را در مقابل هم دیگر قرار می دهد و نوعی «عصبیت منتن» را در این میان می گستراند؛ در حالی که دعوت ساحت مقدسی دارد که نباید با عطر متعفن عصبیت آلوده شود. این کتاب تصویری از یک دعوت بی طرفانه را نمایش می دهد که رنگ یک حزب مشخص، گروه خاص و مکتب دعوی معینی را ندارد و خط مشی بی پاک و بی آرایش در دسترس خوانندگان؛ به ویژه دعوت گران قرار می دهد و با میثاقی که در آن می خوانیم در واقع ما را به سوی «اسلامی که تنها راه خوش بختی مان در دنیا و آخرت است»؛ فرامی خواند؛ همان اسلامی که مایه افتخار هر مسلمان است!

مترجمان در ترجمه این نوشتار نهایت تلاش را نموده اند تا محتوا را بدون کم و کاست به خواننده فارسی زبان انتقال دهند و در ضمن سبک نوشتاری نویسنده را نیز حفظ نمایند. می دانیم که کار بشری خالی از کاستی ها و اشتباهات نیست، چنین ادعایی نکرده و نخواهیم کرد؛ بناء از هر خواننده گرامی خواستاریم در زمینه اصلاح متن هم کاری نموده و نقطه نظرهای شان را با مترجمان در میان بگذارند.

سوما نظری و نادیا امینی خزان ۱۳۹۸ / هرات

مقدمهٔ چاپ دوم

رجوع مجدد به کتاب «میثاق» بعد از گذشت مدت زمانی از چاپ اولش؛ با کمال اخلاص، اندیشه‌ی بیدار، گرایش به اصلاح و توجه دقیق به پندهایی که می‌توان از اتفاقات فراوان این سال‌ها گرفت؛ بر این تاکید دارد که این کتاب کاری است خردمندانه و باارزش که هدفش رضایت الله متعال و خدمت به تمام امت اسلامی است، آن هم به دور از هرگونه تعصب قوم‌گرایانه، حزبی، اقلیمی و نژادی؛ که اصل را بر فرع، هدف را بر وسیله و محتوی را بر شکل ترجیح دهد، بنا بر این می‌توان آن را این‌گونه توصیف نمود؛ که *المیثاق* دستورالعملی است ترتیب شده برای همگان به هدف بهره‌بردن از خوبی‌های آن، یادکرد اشتباهات و کاستی‌های موجود در آن و تکامل و دگرگونی آن.

در پرتو این روحیهٔ مبارک، کتاب آمادهٔ چاپ دوم شد؛ به نوعی که در آن بعضی از قواعد مهم اضافه شده و در پاره‌یی از عبارات، اصلاحاتی صورت گرفته است؛ تا این که از استواری، هم‌آوایی و معنای دقیق‌تری برخوردار شود. در این راستا بعضی از موضوعات تکمیل و برخی دیگر مختصر گردیده، که در نتیجه با این تغییرات می‌توان گفت چاپ فعلی نسبت به چاپ نخست از شکل و محتوایی به‌تر برخوردار گردیده است و به این امید که چاپ سوم این کتاب از اول و دوم آن باز هم به‌تر و آراسته‌تر ارائه شود.

کتاب *میثاق* سخت مورد ستایش و تحسین قرار گرفت، در این جا به توصیف استاد عالی‌قدر صالح حصین - که رحمت خدا بر او باد - در بارهٔ این کتاب اکتفا می‌کنیم، که برای‌مان تحسینی قابل قدر و درخور احترام است؛ از آن‌روی که ستایش‌گر آن شخصیتی است ژرف‌نگر که علاوه بر خرد و دانایی عالی، اخلاص بی‌نظیر و پرهیزگاری، بهرهٔ خوبی از فقه در سطح یک عالم شریعت؛ و دقت یک

حقوق‌دان را نیز دارد، هم‌چنان‌که شناخت بسیار خوبی با نقاط قوت و مزیت‌ها، نقاط ضعف و کاستی‌های فعالیت‌های اسلامی داشته است. وی با وجود این‌که شخصیتی بسیار مؤدب بود در ستایش و تحسین دیگران با کسی تعارف نداشت و سخن خود را در خور اهلیت و شایستگی افراد بدون هیچ کم و کاستی بیان می‌کرد، رحمت بی‌کران الله شامل حالش باد و خداوند به‌ترین جای‌گزین را به جای وی برای مسلمانان عطا فرماید!

کما این‌که در این تحقیق خود ادعای عصمت یا کمال نمی‌کنم؛ چون این دو ویژگی‌هایی است از آن انبیاء و رسولان خداوند و هر کس گمان کند که بر علمی کاملاً احاطه دارد، در واقع بر جهالت خویش اعتراف نموده، چرا که علم بحری است بی‌کران که ساحلی ندارد.

اکنون گفته صاحب‌سخنی را به یاد می‌آورم که گفته است: «به این باور رسیده‌ام که اگر انسان روزی کتابی را می‌نویسد جز این نیست که فردایش می‌گوید اگر این مورد تغییر می‌کرد به‌تر بود، اگر فلان موضوع اضافه می‌شد خوب‌تر می‌شد، اگر این مقدم می‌شد به‌تر و اگر آن کم می‌شد زیاتر بود، که این خود بزرگ‌ترین عبرت و روشن‌ترین دلیلی است بر غلبه نقص و کاستی بر تمامی کار تمام بشر»^۱.

سبحانک اللهم و بحمدک، أشهد أن لا إله إلا أنت، أستغفرک و أتوب إليك.

و صلی الله وسلم علی نبینا محمد و علی آله و صحبه وسلم تسلیما کثیرا.

هشام طالب

۱۴۴۰هـ / ۲۰۱۹م

^۱ (این سخن به قاضی عبدالرحیم بیسانی نسبت داده می‌شود. نگاه کن به:

قنوجی، صدیق بن حسن. أبجد العلوم «الوشی المرقوم فی بیان أحوال العلوم». تحقیق عبدالجبار زکار،

بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۷۸، ج ۱، ص ۷۰.

مقدمهٔ چاپ نخست

هم‌اکنون موجی از بیداریِ اسلامی جهان اسلام را فرا گرفته است، و این به عنوان یک پدیدهٔ مثبت و مبارک نشان‌دهندهٔ آگاهی امت اسلامی، بیداری‌اش از خواب غفلت، پی‌بردن به ماهیتش، افتخار به دینش، تلاش برای برون‌رفت از عقب‌ماندگی و رهایی از تقلید و وابستگی در اندیشه و زندگی‌اش می‌باشد.

خدای عزوجلّ – که هر چه فضل و برکت است از جانب اوست – چنین اراده نمود که این بیداری سرزمین‌های غیر اسلامی را نیز فراگیرد، جاهایی که اقلیت‌های مسلمان در آن زندگی دارند؛ یعنی کسانی که به خاطر تحصیل یا کار هجرت نموده‌اند، از ویژگی‌های خوب این مهاجران این بود که در سال‌های اخیر اقدام به راه‌اندازی کارهای سازمانیِ منظم نمودند؛ برای دست یافتن به این هدف مراجع مختلفی را ایجاد نمودند؛ مثل مراجع فقهی که در امور دینی و دنیوی‌شان فتوا می‌دهند، مراجع اداری که حل مشکلات، برنامه‌ریزی، و نمایندگی از آن‌ها در سازمان‌های رسمی، از وظایف آن شمرده می‌شود، فایدهٔ این کار سازمانی و منظم بسیار بوده و بیان‌گر این است که این گروه‌های مهاجر از رویای یک محصل، زائر و گردش‌گر و فقیری که به دنبال لقمه‌یی نان است پا فراتر نهاده‌اند، این‌ها هر چند افراد توانمند و ممتاز بوده‌اند، کارهای زودگذر با قدرتی محدود و تلاش خوب نمودند اما مؤثریت و کارآیی این فعالیت‌ها اندک بود.

برخی از اشکال این کارکردها

این عمل کردهای مبارک نظر به شرایط موجود محیطی از یکدیگر متفاوت اند و به اشکال گوناگونی نمایان می‌شوند، طوری که برای بعضی از مهاجرین به عنوان یک مرکز اسلامی یا مسجد فعالیت می‌کند و برای عده‌ی دیگر به عنوان شرکت تعاونی، مؤسسه‌های مالی اعتباری، پروژه‌های قرض الحسنه برای نیازمندان، یا در زمینه تالیف و ترجمه و نشر کتاب، روزنامه و مجله، تبلیغ و دعوت به شکل پراکنده فعال‌اند، یا به شکل گروهی فعالیت نموده و تطبیق شریعت اسلامی را در کشوری اسلامی مطالبه می‌کنند، یا حرکتی‌اند که برای آزادسازی یک کشور مسلمان از اشغال تلاش می‌ورزد و یا به شکل‌های دیگر.

در این شکی نیست که همه این عمل‌کردها مسرت‌بخش و مایه دل‌گرمی بوده و سزاوار تشویق، درود و دعا و حمایت‌اند؛ اما در عین حال نیاز به اصلاح، تنظیم و هدایت نیز دارد.

عوامل گوناگون

این بیداری محصول عوامل متعدد و نتیجه مجموعه‌ی از تلاش‌هایی است که به شکل گروهی و فردی، منظم و نامنظم، رسمی و غیررسمی بوده و قبل از همه می‌توان آن را بازتابی غیرارادی، فطری و اصیل شمرد که نشان دهنده گرایش امت اسلامی به حقیقت و اصالت این امت بوده و بیان‌گر این است که این دین توسط الله متعال حفظ و نگه‌داری می‌شود.

کسی که بخواهد این پدیده را مطالعه و بررسی نماید برایش دشوار خواهد بود که تاریخ شروع دقیق و مشخصی را برای آن تعیین نماید؛ چرا که این پدیده و امثال

آن دارای ریشه‌هایی است دیرینه که گاهی پنهان و گاهی آشکار می‌شود و تلاش-
هایی است مستمر که گاه نتیجه‌بخش است و گاه بی‌نتیجه می‌ماند.
از طرف دیگر دعوت کاری است مستمر و همیشگی، به زمان مشخصی محدود
نمی‌شود، امکان ندارد که کاملاً منقطع گردد، اما ضعف و قوت می‌یابد، گاهی به
هدف نمی‌رسد و گاه می‌رسد، دچار بیماری می‌شود و باز سلامت می‌یابد، اما بقاء و
ماندگاری آن سنتی است الهی و سنت‌های الله تعالی هیچ‌گاهی تغییر نمی‌کنند و از
بین نمی‌روند.

قانون تدافع

خدای تعالی می‌فرماید: {وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ
وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ} و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی
دیگر دفع نمی‌کرد قطعاً زمین تباہ می‌گردید ولی خداوند نسبت به جهانیان تفضل
دارد {بقره: ۲۵۱}. این آیات بیان‌گر ایجاد تمام قوانین از جمله قانون تدافع، رحمت،
عدالت و لطف بی‌کران الله متعال نسبت به بندگان می‌باشد، قوانینی همه‌شمول و بی-
طرفانه، قوانینی که در مقام جانب‌داری، حمایت یا دشمنی با هیچ فرد، گروه یا دینی
قرا نمی‌گیرد، بلکه همه در برابر آن یکسان‌اند، پس کسی که این قوانین را به خوبی
رعایت کند موفق می‌شود و کسی که آن‌ها را زیر پا نماید شکست می‌خورد؛ هر که
می‌خواهد باشد. از جمله فواید قانون تدافع این است که برای دعوت‌گران امید می-
بخشد، فرصت‌ها را برای شان فراهم می‌کند و زندگی را از این که با جمود، متعفن و
خراب شود حفظ می‌کند، علاوه بر این مدام برای مسلمان تذکر می‌دهد که حافظ و

چیره حقیقی بر جهان فقط الله متعال است، این مسأله برای مسلمان اعتماد، آرامش، توکل و کار آیی مضاعف می‌بخشد و به او قوت قلب می‌دهد.

با عظمت است حکمت الله تعالی که در درون شر خیری را قرار داده و در میان خیر شری می‌نهد، بلند مرتبه است الله که با حکمت عظیم خویش قانون تدافع را به عنوان قانونی همیشگی و همه‌شمول قرار داد؛ بر پایه این قانون هر نیرویی در روی زمین -خواسته یا ناخواسته- در حرکت مداوم قرار دارد، آن حرکت دافعه و منعکسه است و در اثنای این حرکت برای نیکوکاران و بدکاران، مسلمان و نامسلمان فرصتی فراهم می‌شود تا خوبی کنند یا بدی کنند، و در تعامل با این حرکت یا تأثیر پذیرند و خود منفعل باشند یا تأثیر بگذارند و خود فعال باشند.

آزادی و آزادی

زمانی که استعمار در اوج قدرت بود و بر تمام جهان اسلام به استثنای حجاز و نجد، افغانستان و قسمتی از یمن تسلط داشت، در آن روزگار ملت برای دفاع از سرزمینش برخاست، تلاش‌های فوق العاده بسیاری به خرج داد تا در نهایت منجر به آزادسازی سرزمین‌ها شد، امروزه این ملت خواستار آزادی اندیشه‌اش از چنگال استعمار فرهنگی است همان گونه که سرزمینش را از استعمار نظامی آزاد ساخت.

استعمار فرهنگی به مراتب از استعمار نظامی خطرناک‌تر است؛ زیرا استعمار نظامی سرزمین را اشغال می‌کند و مردم او را می‌بینند، از آن بد می‌برند و علیه آن مبارزه می‌کنند اما نوع فرهنگی اندیشه را اشغال می‌کند در حالی که مردم متوجه آن نمی‌شوند و از آن بی‌خبراند، بلکه چه بسا که آن را دوست بدارند، به همین دلیل وظیفه امت اسلامی در حال حاضر برای آزادسازی و مبارزه با استعمار بسی دشوارتر

از پیش بوده و اوضاع وخیم تر از قبل است، چون استعمار فرهنگی از وسایل جدید و متنوع برای گمراه کردن استفاده می کند و این موضوع بر وخامت اوضاع می افزاید. انصافا باید اقرار کرد که امت برای مبارزه با آن تلاش های قابل قدری انجام داده و موفقیت های قابل توجهی به دست آورده است، اما باید هم چنان به تلاش خود ادامه دهد تا این که استعمار فرهنگی را به طور کامل پایان بخشد.

شکست سال ۱۹۶۷م

با توجه به این که سال ۱۹۶۷ م نقطه گذار در تاریخ جدید است، چرا که شکست عرب در برابر اسرائیل در آن زمان تزلزل روحی، فکری، سیاسی، اجتماعی و نظامی را در میان شان ایجاد نمود، این تحول منجر به برافروختن خشم مردم نسبت به رهبریت هایی که سبب این شکست شده بودند و اصولی که این رهبریت ها آن را اختیار نموده بودند، شد، از جمله این رهبریت ها و احزاب می توان به این ها اشاره کرد: انقلابیت، سکولاریزم، کمونیزم، لیبرالیزم، ملی گرایی (نشنالیزم) و بعثیت (حزب بعث: حزب رستاخیز با گرایش های شدید سوسیالیستی). مردم از این احزاب کناره گیری نموده و از آن ها متنفر شدند و به جست و جوی جایگزینی برای آن ها برآمدند، سرانجام به اسلام روی آوردند و این عجیب نیست؛ چون هر چه باشد آن ها مسلمان اند و بس، از طرف دیگر این جمعیت ها متشکل از افرادی اند که مانند هر فرد دیگری در روزهای سخت و در زمان مصیبت ها و گرفتاری ها به الله متعال رجوع می کند.

در نهایت می توان گفت که شکست سال ۱۹۶۷ م برای امت اسلامی نیرویی انگیزشی بخشید، به این دلیل، این امر یکی از پدیده های مهم تاریخ این امت به شمار می رود، اگر کسی اتفاقاتی را که بعد از شکست سال ۱۹۶۷ م رخ داده است، در

دهنش مرور کند درمی‌یابد که امت تلاش نموده تا در نبردش علیه اسرائیل در سال ۱۹۷۳ م و بیرون راندن نیروهای شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۹ م این شکست را جبران نماید.

سقوط اتحاد جماهیر شوروی

بیداری اسلامی هم‌چنان ادامه یافت و همه جهان اسلام را فرا گرفت، اما همان‌طور که در حال پیش‌روی و فراگیری بود، اشتباهاتی نیز در آن وجود داشت که با اختلاف زمان، مکان و مکاتب دعوی به اشکال متفاوتی بروز می‌کرد، اما این اشتباهات آن‌قدر زیاد نبود که درستی و حقانیت آن را بی‌اثر سازد و مانع پیش‌رفت مستمر آن گردد، تا این که تحول و زلزله بزرگی آمد و آن را چندین گام به جلو راند، بلی آن زلزله سقوط اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ م و فروپاشی آن قدرت بود؛ در حقیقت این اتحاد با عظمت و بزرگ با دستان فرزندانش نابود شد و این دولت یک‌پارچه و عظیم به مجموعه‌یی از دولت‌ها تبدیل شد، با نابودی آن، حزب کمونست که بر اساس اندیشه بی‌دینی بنا شده بود از هم پاشید؛ چون این اندیشه با همه ادیان به ویژه دین اسلام در تضاد بود، بدین ترتیب بساط رژیم قدرت‌مندی از سفره جهان برچیده شد؛ رژیمی که اسلام و مسلمانان دیرزمانی از آن رنج و بدبختی کشیدند، از آن پس دامنه کار دعوت گسترده‌تر گردید؛ به گونه‌یی که به درون این رژیم شکست خورده نفوذ کرده و قرارگاه‌های جدیدی را به دست آورد. این تحول و انقلاب نیز یکی از نتایج قانون تدافع است و همه امور گذشته و آینده از آن الله است.

برج‌های دوقلوی نیویورک ۱۱/۹/۲۰۰۱

ده سال بعد تحول و زلزلهٔ سوم از راه رسید و آن ویران کردن دو برج تجارت جهانی در نیویورک در سال ۲۰۰۱ م بود، این حادثهٔ بزرگ اتفاق افتاد، تأویل و تفسیرهای زیادی در مورد آن انجام شد و شاید هم‌چنان یکی از معماهای تاریخ باقی مانده باشد، اما از پیامدهای آن اشغال افغانستان و عراق توسط امریکا و حمله‌های رسانه‌یی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی علیه اسلام بود. این حادثه، اسلام را در تمام کرهٔ زمین مخصوصاً در امریکا و اروپا بر سر زبان‌ها انداخت اما بیش‌ترین کسانیکه در بارهٔ اسلام سخن می‌گفتند از روی سوء نیت یا نادانی بود و سخن‌گویان با انصاف بسیار اندک بودند، در عین حال این یک فرصت بی‌نظیر برای کسانیکه در زمینهٔ دعوت کار می‌کردند تا اسلام را به جهان معرفی کنند. این نیز یکی از ثمره‌های مبارک قانون تدافع است، همهٔ امور در گذشته و آینده از آن الله است.

گویا الله متعال با حکمت بی‌انتهای خویش، با رخدادهای هولناکی که اتفاق افتاد و در آینده اتفاق خواهد افتاد، می‌خواهد زمین را کاملاً زیر و رو کند و آن را آمادهٔ پذیرش دین بر حق خویش بگرداند، انسانیت را از گم‌راهی به سوی هدایت و از بدبختی به سوی خوش‌بختی سوق دهد.

نکتهٔ مهم و قابل توجه

تحت هر شرایطی امت اسلامی باید نکات زیر را به خاطر داشته باشد:

— این فرصت کمیابی است برای معرفی اسلام که اگر دعوت‌گران شایسته و مخلص از آن به خوبی استفاده نکنند از دست خواهد رفت.

— از سنت‌های الله متعال این است که امت اسلامی را فقط به خاطر مسلمان بودن شان، یاری بلا عوض نمی‌بخشد. (از تو حرکت از خدا برکت)

— عده‌یی از فرزندان باهوش و خبره امت اسلامی باید تمام کوشش خود را صرف کار دعوت کنند، تا بتوانند برای جلوگیری از اشتباه در کار دعوی قبل از این که اتفاق بیفتد و مهار کردن اشتباه بعد از این که اتفاق افتاد و علاج آن با حداقل خسارت، به موقع اقدام نمایند.

— زمینه‌ها، وسایل و ابزار جدید در کار دعوت باید پیوسته مورد نظارت بوده و به روی آن کار شود، تا این که خشک و بی‌روح نبوده و در دائره شکست و یهودگی فرو نیفتند.

— مسلمانان باید در هدف‌مندی مسیر کار دعوی و هدایت و جهت‌دهی آن کار کنند.

— مسلمانان باید برای افزایش میزان توافق و هم‌آهنگی میان کارکنان و کاهش سطح اختلاف میان‌شان دست‌به‌کار شوند.

دشواری‌ها و موانع

بیداری اسلامی به موقع از راه رسید، مردم از دیدن آن شاد و خرسند شدند و شروع به ساختن رؤیاهای طلایی‌شان بر اساس آن نمودند.

اما باید گفت که این پدیده نیک و مبارک با مشکلات زیادی احاطه شده است که آن را زیان‌مند نموده و مانع حرکت آن می‌شود.

— ما این روزها شاهد اختلافات زیادی میان مسلمانان هستیم، گاهی اوقات این اختلافات به دشمنی تبدیل شده و باعث دسیسه‌چینی علیه یک‌دیگر می‌شود و در

نتیجه منجر به پیدایش فتنه‌ها، افزایش دشمنی‌ها و شیوع تفرقه می‌شود، به حدی که بعضی از مردم گمان می‌کنند که اختلاف میان همهٔ مسلمانان مخصوصاً کسانی که برای اسلام کار می‌کنند یک حقیقت انکارناپذیر، بیماری مزمن و دردی لا علاج است که هیچ کس از آن در امان نیست، مگر کسی که پروردگارم بر او رحم کند.

— علاوه بر این برخی تلاش‌های مخلصانه در جای نادرست انجام می‌شود، در جایی که نیاز نیست صرف می‌شود، چه‌بسا که تلاش‌ها با وجود زمینه‌های به‌تر و مجاز، به زمینه‌های ممنوع صرف شود، حتی ممکن است صرف چیزی شود که زیان‌مند و مضر باشد.

— مشکل دیگر این است که بیش‌ترین افرادی که در زمینهٔ دعوت کار می‌کنند دچار سادگی و خوبی مفرط اند، به حدی که به درجهٔ غفلت می‌انجامد، این امر نفوذ بیگانگان و به درد سر افتادن شان را از سوی برخی از اشرار آسان می‌گرداند و آن‌ها را به انجام کارهای احمقانه و جاهلانه و ماجراجویی‌های خطرناک وادار می‌کند که هم به خودشان و هم به کشور و مردم شان آسیب می‌رسانند، این اعمال مردم را از آن‌ها متنفر ساخته و چه بسا باعث نفرت و ترس مردم از اسلام نیز شود، شاید بارزترین عرصهٔ ظهور جهل و نادانی این افراد عرصهٔ سیاسی باشد، هر چند که در این زمینه تلاش‌ها و فداکاری‌هایی انجام دادند که بعدها خودشان نخستین قربانی‌های آن بودند و بهای سنگینی پرداختند، همان‌گونه که کشور و مردم نیز بهایی گران در قبال آن پرداختند و این به مراتب خطرناک‌تر، وحشتناک‌تر و زشت‌تر است.

اسباب و دلایل مشکلات

بدون شک ممکن نیست چنین پدیده‌یی یک علت داشته باشد، بلکه باید به مجموعه‌یی از اسباب مختلف، پیچیده و به هم پیوسته برگردد، برخی از آن اسباب مستقیم و برخی نامستقیم اند، از جمله سادگی و غفلت، شتابزدگی و عدم تأمل، سهولت نفوذپذیری و به ورطه افتادن، عدم آگاهی نسبت به سنت‌ها و قوانین الله متعال، آرزوها و خواسته‌هایی که در لباس دین ظاهر می‌شوند و صاحبان آن به دنبال غنیمت‌ها، ریاست و آشوب‌ها اند، آن‌چه که به توانایی فهم و فراگیری مردم تعلق می‌گیرد، آن‌چه به طبیعت مرحله‌یی که مردم در آن قرار دارند مربوط می‌شود، مرحله خطرناک و دشواری که دارای مشکلات و بازتاب‌های منفی در زمینه‌های مختلف است از جمله زمینه دعوت اسلامی و غیره.

پس آن‌گاه که این پدیده خطرناک از نظر تشخیص این گونه باشد، باید اعتراف کنیم که علاج آن با تقدیم یک راه حل، ممکن نخواهد بود، بلکه باید مجموعه‌یی از راه حل‌های کامل ارائه شود که یکی دیگری را استحکام و ثبات بخشد و هر یک دیگری را تقویت نماید.

شروع درمان

شاید راه حلی که اهمیت به ویژه‌یی داشته و در میان تمام راه‌حل‌های دیگر درجه نخست را کسب می‌کند، تصحیح قواعد عمومی برای کارکنان در عرصه دعوت اسلامی باشد.

این قواعد کلی - تا حدود زیادی - بر اندیشه عمومی انسان، شیوه‌های قضاوت کردن و اندیشیدن و اسباب کار و شیوه عمل‌کردش تأثیرگذار است.

میثاق شرف در دعوت * ۲۷

یکی از امور بدیهی و آنچه که همه مردم بدان باور دارند این است که تصور و عقیده نادرست منجر به رفتار نادرست می شود و عقیده درست منجر به رفتار درست. و اما در نخست باید گفت که هیچ کسی چنین ادعایی ندارد که تنها تصحیح قواعد، این پدیده را منتهی می سازد؛ اما می توان گفت که همین تصحیح قواعد تا حدود زیادی باعث کاهش آن می شود.

این امت نیاز شدیدی به رهنمایی، ارزیابی، نصیحت و خیرخواهی و بازبینی در امور دارد؛ چون این کار زاده دست بشر بوده و در آن احتمال وجود درست و نادرست می باشد.

تهدید از درون و برون

اگر این نهضت از برون مورد تهدید است، از درون نیز تهدید می شود، تهدید داخلی به مراتب از تهدید خارجی خطرناک تر و درنده تر است.

اگر تهدیدات خارجی از جانب دشمنان مختلف اسلام است، تهدید داخلی از درون خود امت برمی خیزد، از فهم نادرست شان، از کج خردی شان، از گرایش ناهماهنگ و ناسالم نفسانی، از شتاب زدگی بی که با سرشت اشیاء هماهنگی ندارد، از آرمان گرایی دور از واقعیت و از مواردی دیگر...

نیاز به میثاق

از این جا است که نیاز به آماده ساختن یک پیمان نامه شرف احساس می شود تا برای کارکنان حوزه دعوت اسلامی تقدیم شود؛ این پیمان اصول اساسی و بنیادینی را در برداشته باشد که همه یا اکثریت دعوت گران را فراهم آورده و ابعاد جدی،

عریض و مشترکی را ترسیم نماید که گنجایش همه افراد بخرد و غیور را داشته و در ضمن این چوکات مشترک خود اجازه قدری تنوع را نیز بدهد؛ چون مردم نسخه‌های تکراری و مشابه در همه چیز نیستند، بناء ممکن است در این پیمان به این شعار توجه داشت: «تنوع در زیر یک چوکات» و یا «اختلاف تنوع نه اختلاف تضاد».

و در پایان

امید است که این میثاق نور هدایت‌گری باشد که همه دعوت‌گران به گرد آن با هم پیوندند و بر آن با هم دیگر به دل‌خواه خود بر شرافت و صداقت عهد بندند. برای همین است که نام کتاب «میثاق شرف در دعوت» آمده است؛ چون به هم‌آیی دعوت‌گران بر این پیمان نتیجه قناعت کردن آزادانه، پای‌بندی خودخواسته، اراده شریف، اعتماد راسخ و راضی بودن و پسندیدن محتویات آن می‌باشد.

هم‌چنان امید می‌رود که این پیمان از بررسی و واکاوی جدی و دقیق دعوت‌گران با کفایت و غیور نیز بهره‌مند شود، تا از نکات درست آن استفاده شده، اشتباهات آن گوش‌زد شود و اصول جدیدی برای آن پیش‌نهاد شود تا هر نسخه آن به‌تر از نسخه قبلی، از چاپ برآید.

پروردگارا ما را به آن‌چه تو راضی هستی توفیق بده، و ما را در انجام کار خیر به کار بینداز، ما را نیت خالص با درستی در عمل نصیب بگردان، تو را حمد و سپاس می‌گوییم تا خشنود گردی و تو را حمد و سپاس می‌گوییم آن‌گاه که خشنود گشتی و تو را حمد و سپاس می‌گوییم پس از خشنودی‌ات.

و صلی الله و سلم علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه.

هشام طالب

۱۴۳۰ هـ / ۲۰۰۹ م

نگاهی به میثاق

قابل یادآوری است که این اصول مندرج در پیمان حاصل تلاش، رنج و زحمت، دقت، بازبینی، مرور و ملاحظه دقیق و پیاپی تمامی نادرستی‌ها و درستی‌ها در عرصه دعوت می‌باشد، در این پیمان مواردی را می‌یابیم که از همان آغاز درج آن شده بود و هم‌چنان موارد دیگری را که لفظ یا معنای آن از این جا و آن جا گرفته شده است؛ تا در نتیجه چیزی از آب بیرون آید که بتوان بدان قانع شد.

اهداف میثاق

این میثاق در صدد این است که مجموعه‌یی از اصول و قواعدی را مشخص نماید که همه بر آن متفق بوده و مورد پذیرش و احترام شان باشد.

اگر بخواهیم اهداف این پیمان را در یک عبارت کوتاه و دال بر هدف خلاصه کنیم، باید بگوییم که هدف از این پیمان این است: «هدایت‌گری مسیر فعالیت‌های دعوی، نزدیک کردن فرزندان دعوت به هم‌دیگر و پیش‌نهاد افق‌های نوین برای آن».

این پیمان متوجه چه کسانی است؟

پیمان متوجه همه است؛ اما طبیعتاً نخست متوجه دعوت‌گران است؛ چون ایشان سزاوار استفاده از این پیمان بوده و هم‌وشان توانایی تصحیح و افزودن برخی از موارد را بر آن دارند.

ثمره میثاق

وقتی مواد میثاق به انجام رسد، دست‌آوردها بسیار زیاد خواهد بود، از جمله:

- انتشار روحیه دوستی و اعتماد در بین دعوت گران و نزدیک کردن فعالیت های دعوی رسمی و بومی.
- کاهش دامنه خلاف و اشتباه و گسترش دامنه اتفاق و درستی.
- تشویق روحیه انتقاد سازنده، گسترش افق های دید و تفکر و اشراف داشتن بر افق های نوآوری و تجدید.
- هم کاری در امور متفق علیه، آسان گیری در امور اختلافی بیرون شدن از دایره ناکارایی و ایستایی به سوی دایره کارایی و فعالیت.

خواسته های شریف و باشکوه

این پیمان به هوای این است که:

- «دستور العملی» بر گرفته از قرآن کریم و سنت مطهر نبوی/ باشد.
- به دور از افراط و تفریط بوده و نمونه خوبی از میانه روی و اعتدال باشد.
- رنگ یک حزب مشخص، گروه خاص، مکتب دعوی، اجتهاد فقهی و قرابت منطقوی را نداشته و یکی از این گرایش ها را قوت بخشیده و دیگری را تضعیف ننماید.
- یک خط مشی فکری، اخلاقی، تربیتی و عملی را برای دعوت گران ترسیم کند و حلف فضولی باشد که بر آن اعتماد کرده و بدان معترف باشند.
- یک افزوده روش مند باشد نه یک بار و افزوده مرسوم و معمولی، به گونه ای که جای گاه خود را در کنار هم نوعان خود کمایی کرده بتواند.

گرایش و تمایل میثاق

این میثاق هوای این را دارد که به این جهات تمایل داشته باشد:

به سوی اسلامی که تنها راه خوش‌بختی مان در دنیا و آخرت است.

به سوی امتی که بدان منسوب ایم و به این انتساب خود می‌بالیم و آن را مایهٔ سربلندی مان می‌دانیم.

به سوی فعالیت‌های دعوی‌یی که شریف‌ترین مأموریت در زندگی است؛ کاری که رسالت پیام‌بران و فرستادگان پروردگار بود.

به سوی وطنی که دین، زبان، میراث، بندگان، گذشته، حال و آیندهٔ مان را در آغوش دارد.

به سوی نسل‌های آیندهٔ دعوت‌گر، تا درست‌کاری‌های شان بیش از اشتباهات شان باشد.

ویژگی‌های میثاق

بنابراین این پیمان می‌خواهد با این ویژگی‌ها آراسته باشد: دقت، عینیت، درست‌کاری، بی‌طرفی، آشکارانگی، روش علمی متوازن، روحیهٔ عالی ادب و عفت کلام، تا خواننده احساس کند که در پس این پیمان - در حقیقت نه تمثیل - روحیهٔ خیرخواهی با افق‌های گسترده، با سینه‌یی گشاده و عشقی راستین و جدی در راه خدمت به فعالیت‌های دعوی نهفته است.

محور نخست

اسلامی که بدان فرامی خوانیم!

۱- توحید تمام و کمال

خداوند تعالی می فرماید: {قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ. قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ} بگو آری پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است، دینی پای دار آیین ابراهیم حق گرای و او از مشرکان نبود. بگو در حقیقت نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان است. [که] او را شریکی نیست و بر این [کار] دستور یافته ام و من نخستین مسلمانم { [انعام: ۱۶۱-۱۶۳].

ما به خداوند عزوجل ایمان داریم، به این که او آفریدگار کائنات و حاکم آن است، و این که او تنها معبود بحق است، او را صفات جلال، کمال و جمال است، از هر نقصی مبرا است، او را دوست می داریم، یگانه اش می خوانیم، او را بزرگ می داریم، از او می ترسیم و به او امید داریم.

ما همه مسلمانان را به طور کل و دعوت گران را به طور ویژه فرامی خوانیم تا موضوع عقیده را درست بفهمند، ایمان بیاورند، آن را در احساسات و رفتار خود پیاده کنند و این موضوع را به طور مطلق بر غیر آن اولویت دهند؛ چون همین عقیده است که نخستین و بزرگ ترین پایه همه قضایای دینی از اصول گرفته تا فروع، می باشد، این تنها اصلی است که با همه مسایل اسلامی به طور مداوم همراه است، همان طور که در زندگی مسلمانان نیز در هر امری جای پای دارد.

عقیده اسلامی فصلی از یک کتاب نیست که مسلمان آن را خوانده و به فصل بعدی پردازد؛ بلکه نخستین فصلی است که مسلمان آن را می‌خواند، سپس در حالی - که فصل‌های دیگر را می‌خواند، پیوسته این فصل را مرور می‌کند و در وقت خواندن دیگر فصل‌ها از او جدا نمی‌شود.

عقیده یک حالت فکری، وجدانی و عملی‌بی است که با مسلمان هم‌راه بوده و تا دم مرگ بر آن حاکم است، با این تعبیر از خواسته‌های این عقیده این است که مسلمان لوازم عقیده را به طور عمیق، دقیق و شامل بشناسد، از مهم‌ترین لوازم آن توحید الله تعالی، منحصر کردن عبادت برای او و عملی کردن احکامش می‌باشد، همان‌طور که از لزوم این عقیده شناخت نواقض و شکننده‌های آن است، نواقضی که مسلمان را از دین به طور کلی یا جزئی بیرون می‌کند، عجیب است که کودکان مسلمان این روزگار شکننده‌های وضوء را حفظ می‌کنند؛ اما نواقض عقیده را نمی‌دانند، هر چند که دانستن همه این‌ها مطلوب است؛ اما چه قدر تفاوت است میان این و آن!

از طرفی دیگر؛ باید خیلی متوجه باشیم که مسأله توحید تنها به حفظ اتوماتیک، لفظ به لفظ و خشک تبدیل نشود و صاحبان آن گمان کنند که فقط آن‌ها بر هدایت اند و بس، به این ترتیب روحیه غرور و برتری جویی درون شان را فراگیرد و در نتیجه با دیگران با خشونت و تکبر رفتار کنند.

هر چند که اعتماد به جای گاه درست و راستین شان، خوب و مطلوب است؛ اما شایسته این است که این منزلت شان با عاطفه و رفتار درستی در مقابل دیگران

هم گام شود تا دعوت گرانی دوست داشتنی باشند نه نفرت زاء، مهربان باشند نه سخت - دل و توحید در زندگی های شان به به ترین شکل خود از نگاه عقلی، وجدانی و رفتاری جلوه نماید.

برخی از دانش مندان شرایط دست یابی به توحید (لا إله إلا الله) را در هفت کلمه خلاصه کرده اند، آن هفت کلمه عبارت اند از: علم ضد جهل، یقین و باور ضد شک، اخلاص ضد شرک، صداقت ضد نفاق، پذیرش ضد رد، اطاعت و فرمان - برداری ضد ترک و فرو گذاشتن و محبت ضد نفرت و نبود محبت.

۲- دین توحید و یک پارچگی

اسلام دین توحید است و دین یک پارچگی، امت اسلامی پروردگار شان را در علو مرتبت وی یگانه می داند و در زمین او تعالی یک سویه و یک پارچه حرکت می کنند؛ بنابراین فعالیت های دعوی باید به فراخوانی به سوی یک پارچگی از نگاه فکری، شعوری و عملی توجه نموده و از تفرقه و چندگانگی در فکر، شعور و عمل به شدت برحذر باشد. یک پارچگی در واقع قوت، رحمت، برکت و فعالیت و تحرک است، همان طور که سبب طلب یاری خداوند تعالی و نصرت او است، تفرقه عکس این ها است.

فعالیت های دعوی نتوانسته است برای امت اسلامی دست آوردهایی به ارمغان آورد که هم سنگ تلاش ها و جان فداایی های بسیار افراد دعوت به خاطر این امت باشد، با وجود دست مایه بزرگی که در نزد این امت دارد و با وجود این که همین فعالیت ها دردها و آرزوهای امت را به درست ترین و واقعی ترین شکل به تصویر می کشد، باز هم دست آورد زیادی نداشته است. این مشکل ناشی از چند عامل است

که در رأس آن تفرقه و پراکندگی بی است که فعالیت های اسلامی از آن رنج می برد، حتی این پراکندگی گاهی به حد تنفر و دشمنی می رسد. آن چه ما را برای دست یابی به این یک پارچگی گم شده یا نزدیک شدن بدان یاری می دهد، خلوص نیت برای خدای تعالی، انتشار محبت و دوستی، دوری گزیدن از مجادله و نزاع بر سر مسایلی است که در حاشیه عقیده قرار دارد یا بر سر موضوعات فقهی بی که گذشتگان بر آن اختلاف داشته و آیندگان در آن نزاع می کنند، در این اختلافات کسی که به هدف برسد پاداش می گیرد و کسی که به اشتباه رود معذور است.

۳- بازگشت به مصادر اصیل

خداوند تعالی می فرماید: {وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا/ و چون خبری [حاکمی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند قطعاً از میان آنان کسانی اند که [می توانند درست و نادرست] آن را دریابند و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود مسلماً جز [شمار] اندکی از شیطان پیروی می کردید} [نساء: ۸۳].

ما برای همه مردم طالب خیر ایم، ما ملکف ایم ایشان را به سوی آن فراخوانیم، ما ایشان را دعوت می کنیم تا با دل باز و عقل انصاف جوی خویش، خیر را از مصادر اصلی آن بشناسند، با رجوع به این مصادر به این باور باشند که با آن پس از گم راهی به هدایت دست می یابند و پس از باطل به حق می رسند، پس از ترس به امنیت، پس از نگرانی به آرامش و پس از بلا و مصیبت به عافیت می رسند، به این یقین باشند که

ایشان برای همه مشکلات خویش در آن راه حلی می‌یابند و برای همه پرسش‌های خویش پاسخ‌های درخوری.

۴- اسلام دین الهی است و آن است دینی همه‌شمول

خداوند تعالی می‌فرماید: {إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ/ همانا تنها دین در نزد خدا، اسلام است} [آل عمران: ۱۹] و باز می‌فرماید: {وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ/ هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست، و او در آخرت از زیان‌کاران است} [آل عمران: ۸۵].

ما ایمان داریم که اسلام دین الله تعالی است، دینی جاودان، محفوظ، درست و خاتم ادیان است، این دین در نزد ما هم قضیه است، هم هویت، هم راه حل، هم گذشته، هم حال و آینده، این دین راه خوش‌بختی در دنیا و آخرت است، راه و روش زندگی ما است؛ همان راهی که خداوند آن را برای ما برگزیده است، به آن ایمان داریم و به آن می‌بالیم، به خاطر آن جهاد می‌کنیم و هر گران‌ارج و عزیز خود را فدای آن می‌کنیم.

اسلام واپسین دین الله تعالی برای بشریت است، برای همین تنها شیوه شامل برای زندگی است که همه شؤون زندگی را، برای فرد، گروه و دولت نظم می‌بخشد، اسلام هم دین است، هم دولت، هم قانون، هم عبادت، هم اقتصاد، هم اخلاق، هم صحت، هم ارتباط خانوادگی، اجتماعی و دولتی و... است. این دین از آغاز تولد انسان تا سراسر زندگی، مرگ و برانگیختن پس از مرگ با او هم‌راه است.

بناء دعوت گران باید بر اصل شمولیت اسلام تمرکز کرده و بدان افتخار کنند و این باور را که اسلام تنها منحصر در دایره اعمال عبادی باشد، به شدت رد کنند، از لوازم این امر این است که فروع و جزئیات را به اندازه اصول و کلیات اهمیت نداده و در آن‌ها فرونروند؛ اگر هم روزی نیازی به بررسی و توجه به یک قضیه فرعی یا جزئی احساس شود، باید در جای، زمان، شرایط و حجم مناسب آن بدان پرداخته شود.

۵- شمولیت معنی عبادت

به طور کل هدف از وجود انسان عبادت الله تعالی است، کسی که می‌فرماید: {وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ / مِنْ جَنِّانٍ وَآدَمِيَّانَ} جز برای این که مرا بپرستند نیافریدم { [ذاریات: ۵۶]}. این مفهوم همه شمول عبادت، انسان را بیش تر مطیع الله تعالی می‌کند و ارتباط همیشگی با او تعالی، بنده را شادتر می‌سازد و نفع او را برای افراد و سرزمین‌ها زیاده‌تر می‌کند؛ اما با تأسف این مفهوم گسترده، امروز در نزد بسیاری فقط در شعایر عبادی منحصر شده است و همین شعایر از نگاه آن‌ها یعنی تمام عبادت. آن‌چه در این جا قابل یادآوری است این است که تقسیمات سه گانه مأثور در میراث اسلامی به عقاید، عبادات و معاملات، تقسیم علمی‌یی است که پس از مطالعه و بررسی دقیق چنین روا دیده شده است، نه بیش تر و نه کم تر از این سه مورد؛ اما این تقسیمات سه گانه در نزد عده‌یی منجر به منحصر شدن مفهوم عبادت در شعایر عبادی شده است؛ در حالی که این اشتباهی فاحش است که از یک طرف سوءفهم باعث شیوع آن شده است و از طرف دیگر بروز وجهه عبادی بیش از دیگر وجوه در این شعایر، برای همین است که تعبیر ما از عبادت مفهومی به معنای گسترده آن است، همان مفهومی که در نزد سلف صالح بوده است، به علاوه همه مسلمانان را

میثاق شرف در دعوت * ۴۱

نیز به پذیرش این مفهوم فرامی‌خوانیم، به گونه‌یی که عبادت در نزد هر مسلمان همه جوانب را فراگیرد، از عقیده گرفته تا سیاست، شعائر عبادی، معاملات، آبادانی زمین، ادای رسالت، بهره‌های حلال زندگی، تفریح، اتقان در امور، احسان و دیگر قضایای زندگی.

۶- برادری اسلامی

برادری اسلامی یکی از پایه‌های بنیادین اسلام و یکی از ارکان اساسی در اصول فعالیت‌های دعوی است. شیوع برادری باعث خشنودی خداوند تعالی در آسمان و نصرت و پیروزی در زمین او می‌شود، در مقابل نبودن این برادری باعث خشم خدای تعالی در آسمان و رسوایی در زمین وی است؛ بناء دعوت گران باید جای گاه آن را در دو سطح اندیشه نظری و فعالیت عملی در رأس قرار دهند و از هر چه مقابل این امر قرار می‌گیرد برحذر باشند. دست یافتن به برادری در میان دعوت گران مایه دل-گرمی و رحمت، هم‌کاری و نصرت بوده و در واقع بشارتی است که نشانی از پیروزی با خود دارد، نبودن برادری نیز عکس این امر بوده و باعث کدورت، سخت‌دلی، خودپسندی و سیطره‌جویی شده و در حقیقت آژیر خطری است که نشانی از رسوایی را با خود دارد.

۷- مؤمن قوی

ما باید تلاش کنیم مؤمنانی قوی پرورانیم؛ چون -همان‌طور که در حدیث پیامبر مان٪ آمده است- مؤمن قوی در نزد خداوند تعالی به‌تر و دوست‌داشتنی‌تر از مؤمن ضعیف است. قوت در عقیده به درستی آن است، در ایمان به عمق آن، در

رفتار به استقامت در آن، در عقل به درایت و بینش آن و در جسم به نیرو و انرژی آن است، بنابراین ما باید به جسم خویش توجه درخوری نموده و به هر چیزی که به بدن سود می‌رساند، از غذا گرفته تا ورزش، نظافت و غیره، چنگ زده و از هر چیزی که به بدن ضرر می‌رساند از مواد مخدر گرفته تا دخانیات، مست‌کننده‌ها و غیره دوری بجوئیم، این نگرش سود بسیاری به حال مان خواهد داشت؛ از جمله این که با این حال می‌توان جسم‌ها را آمادۀ پذیرش بار دعوت با تمام همت و قدرت نمود.

۸- آثر خطر دیانت مغشوش و ناخالص

دیانت درست در واقع یعنی خردی بیدار و قلبی سلیم، که صاحب آن در میان مردم با این نوع عقیده انگشت‌نما و الگویی محبوب همه، سزاوار پسندیدن و مقتدا شدن می‌شود. وقتی ما این نوع دیانت را می‌ستاییم، از نوع مقابل آن یعنی دیانت مغشوش و ناخالص برحذر می‌داریم؛ همان دیانتی که برخاسته از عقلی مختل یا دلی مریض، یا هر دوی این‌ها می‌باشد؛ چون این دیانت در واقع یا برای توهمات فرد کار می‌کند یا برای مصلحت فرد یا هر دو، صاحب این نوع دیانت نیز در میان مردم ناپسند بوده و الگویی است نفرت‌انگیز.

از نشانه‌های دیانت مغشوش و ناخالص این است که به شکل ظاهری بیش از حقایق باطنی توجه می‌کند، نوافل را به حساب فرایض ارج می‌کند و مصلحت شخصی خود را بر مصلحت عمومی ترجیح می‌دهد.

از نشانه‌های دیگر آن این است که صاحبان آن به خواهشات نفسی، کینه‌ها و ناتوانی‌های شان لباس دینی می‌پوشانند، به مکان‌ت و جای‌گاهی چشم می‌دوزند که

مستحق آن نیستند و از قدر و منزلت افرادی که بالیافت و شایستگی خود جای گاهی به دست آورده اند، می کاهند.

۹- طاعت ها و گناه ها

دل ها گاه طاعت می کند و گاه معصیت، جوارح نیز چنین است؛ اعمال دل ها مقدمه یی برای اعمال جوارح است؛ چون در واقع با دل ها در پیوند اند، همان دلی که جوهر انسان است و انسان را وادار به طاعت یا معصیت می کند.

نجات یافتن از گناهان قلبی بسی دشوارتر از نجات یافتن از گناهان جوارح است، همان طور که انجام طاعت قلبی دشوارتر از طاعت جوارح است.

مسلمان باید در عین زمان هم از گناه دوری جوید و هم ملتزم به طاعت باشد، تا توازن مطلوب بین شکل و جوهر، صورت و محتوا و صدق نیت و حرکت اعضا برقرار باشد.

محور دوم

قضایای اسلامی

۱۰- خانواده در آیین اسلام

خداوند تعالی می‌فرماید: {قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ/ خود و خانواده‌های تان را از آتشی که هیزمش مردم و سنگ‌ها خواهند بود، نگه دارید} [تحریم: ۶].

عقد ازدواج در میان زنان و مردان تنها راه شرعی و درست تشکیل خانواده است، خانواده‌یی که نخستین و مهم‌ترین آغوش تربیت بوده و بزرگ‌ترین پایه وجود این امت و بستر و خاستگاه فطری کودکان و نوجوانان است. مسئولیت اداره این نظام به دوش پدر و مادر می‌باشد، برای همین ما پیوسته به حفظ، پاس‌داری، بلند بردن قدر و اهمیت آن و فراهم آوردن شرایط و ادوات لازم برای موفقیت آن فرامی‌خوانیم و با تمام قوت در مقابل تلاش‌های بسیاری که جدیدا برای لغو و از بین بردن خانواده و یا ناچیز نشان دادن آن انجام می‌شود، می‌ایستیم.

۱۱- زن در آیین اسلام

زن مسلمان از ظلمی که به حق وی از دو جانب افراطی روا داشته می‌شود، به شدت رنج می‌برد، از یک جانب از افراط لائیک‌هایی رنج می‌برد که تلاش می‌کنند زن مسلمان را فاسد نموده و او را از دین، فطرت سلیم، کرامت و ویژگی‌های ذاتی وی به دور نگه‌دارند. از جانب دیگر هم از افراط دینی‌یی به رنج است که تلاش می‌کنند زن را در قالبی مومیایی شده، خشک و متحجر نگاه کنند و او را از ادای نقش وی در زندگی باز دارند، این افراط‌گرایان اگر چه به قصد و نیت خیر این کار را انجام دهند، باز هم ملامت‌اند. بسیاری از این‌ها به زن با دیده شک و تحقیر نگاه

می‌کنند و فهم نادرستی از اصل قوامت [سرپرستی کردن مرد از اهل و خانواده‌اش به شمول خانم] در اسلام دارند، شاید سبب این فهم نادرست، ناآگاهی از حقوق زن و شخصیت آن در اسلام و غلبه عادات و تقلیدهایی است که با گذشت زمان در اذهان انباشته شده و در لباس دینی ظاهر شده است، در حالی که دین از آن سخت بی‌زار است.

همه مسلمانان به طور عموم و به ویژه دعوت‌گران باید به زن اعتماد کرده و با وی منصفانه و به دور از تبعیض رفتار کنند و برای رسیدن به جای‌گاه مناسب در زندگی به ویژه در عرصه دعوت، برایش راه را هم‌وار سازند. در این امر فواید بسیاری نهفته است که مهم‌ترین آن تحقق عدالت می‌باشد و آن یکی از اصول مهم اسلامی است، از فواید دیگر آن بهره‌بردن از تلاش‌های بانوان در عرصه فعالیت‌های دعوی است؛ به ویژه در عرصه‌هایی که بر مردان نیز برتری دارند، هم‌چنان که باعث مسدود شدن راه تبلیغات گم‌راه‌کننده‌یی می‌شود که در صدد فریب دادن زنان بوده و به بهانه این که برای شان آزادی را به ارمغان می‌آورد از این‌جا و آن‌جا ایشان را مورد ظلم قرار می‌دهند. اسلام همان دینی است که زن را به طور متوازن و متناسب آزادی داده است، حقوقش را حفظ نموده، کرامت، استقلال، فطرت و ویژگی‌های ذاتی او را پاس‌داری می‌کند و او را نیمی از جامعه، یک نیمه مرد و سازنده نسل‌ها معرفی می‌کند.

۱۲- آزادی در آئینه اسلام

دعوت‌گران باید به آزادی‌یی تمایل نشان دهند که مقید به قانون بومی باشد. آزادی مطلق حماقتی است بزرگ، دین ما به آزادی ارزش قایل می‌شود، برای همین است که اسلام مانع اجبار در دین می‌شود، یکی از افتخارات مان در میراث اسلامی جمله مشهور خلیفه بزرگ عمر بن خطاب^۱ است که گفت: «شما چه وقت مردم را

به بردگی گرفته‌اید، در حالی که مادران شان آن‌ها را آزاد زاده اند!» زمانی که برای فعالیت‌های دعوی و دیگر فعالیت‌ها به یک میزان آزادی وجود دارد، پس فعالیت‌های دعوی حق اولیت را دارد؛ چون این گونه فعالیت‌ها مردم را نخست با حق مخاطب قرار می‌دهند و در ثانی میراث فرهنگ شرعی آن‌ها را که در نهاد شان جای گرفته به ایشان می‌رسانند، به خلاف دیگرانی که این ویژگی را ندارند؛ چون ایشان مردم را با باطل مخاطب می‌کنند و در ثانی به ایشان چیزی را هدیه می‌دهند که وجدان و میراث شرعی شان از آن متنفر است.

۱۳- حقوق انسان در آئینه اسلام

خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یک‌دیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شما است بی تردید خداوند دانای آگاه است {حجرات: ۱۳}.

ما ایمان داریم که اسلام نخستین منشور جهانی برای تبیین حقوق انسان است، اسلام دینی است که حقوق کاملی برای انسان فراهم می‌آورد، از جمله حق آزادی عقیده، کرامت انسانی، آموزش، ازدواج، امنیت، کسب روزی، عدالت، ملکیت و غیره. دست‌آویز اسلام در منشور، ارج نهادن به مقام و جای‌گاه انسان است، انسان در اسلام با کرامت‌ترین مخلوق خدا است، خلیفه او در زمین بوده و هر چه در روی این زمین موجود است برای او مسخر شده اند.

۱۴- برادری انسانی در آئینه اسلام

ما ایمان داریم که همه بشریت یک خانواده اند، تنها پیوند برادری انسانی ایشان را با هم گرد می آورد، آفریدگار شان الله تعالی است، پدر شان آدم و مادر شان حواء است، از خاک آفریده شده و به سوی آن باز می گردند. بنابراین همه مسلمانان و نامسلمانان را فرامی خوانیم تا به گونه یی با هم دیگر هم کاری کنند که سود آن به همه برسد، از آن جمله تحقق صلح، انتشار آزادی، برپا داشتن عدالت، مبارزه با جرایم، انتشار علم، رعایت احوال کودکان و خدمت به افراد بزرگسال، به جای آوردن حقوق همسایگی، حفظ محیط و احترام به عهد و پیمان ها. بزرگ ترین چیزی که گواه درستی و صحت این اندیشه است، چیزی است که در خطبه رسول الله/ در حجه الوداع آمده است: «ای مردم، پروردگار شما یگانه است، پدر تان یکی است و همه شما فرزندان آدم اید و آدم از خاک بود، با کرامت ترین تان در نزد پروردگار باتقواترین تان است، هیچ عربی بر عجمی برتری ندارد مگر به تقوا، آگاه باشید، آیا برای تان رساندم، بارالها گواه باش» (به روایت مسلم).

۱۵- دو وابستگی و انتساب به هم پیوسته

دعوت گران به هر جایی که باشند باید علاقه شدیدی به پاس داری از وطن، امنیت آن، دست آوده های آن، محیط آن و آینده نسل های آن داشته باشند، چون پیوند در بین انتساب فطری به یک کشور و قوم و انتساب اختیاری به یک دین و اصل، پیوند تکامل و انسجام است نه پیوند تناقض و تضاد.

محور سوم

ارتباط میان کارکنان دعوت در

سطح فرد و سازمان

۱۶- تکامل کار دعوی

اصل در تعامل و برخورد سازمان‌های اسلامی تکامل است؛ یعنی یکی دیگری را کامل کند، اگر این امر ناممکن باشد، پس هم‌کاری لازم است، اگر این هم ناممکن بود پس احترام و هم‌زیستی باید کرد، در غیر این راه چهارمی نیست، چون پس از این‌ها هلاکت و نابودی است.

۱۷- احترام به تخصص

ما باید در مورد قضایا و مسایل شرعی از اهل نظر پرس و پال کنیم و در مورد قضایای زندگی خویش به اهل خبره مراجعه کنیم، چه بسا افرادی از مردم دعوت‌گران موفق و مشهوری اند؛ اما اهل فتوا نیستند، و چه بسا که دانش‌مندانی اند که قدرت فتوا دادن دارند؛ اما توانایی مدیریت یک کار خورد یا بزرگ را ندارند، در بقیه امور زندگی نیز چنین حالتی را می‌توان مشاهده کرد، پس باید از یک‌دیگر استفاده کنیم.

۱۸- دعوت‌گر و به‌ترین موقعیت

دعوت‌گر باید مناسب‌ترین موقعیت را از نگاه زمان، مکان و مأموریت برگزیند، موقعیتی که فعالیت وی در آن سودمندتر واقع شود، در این جا باید از اهل خرد، بزرگان و افراد بی‌ریا و درست‌کار مشوره گیرد؛ چون شاید -خواسته یا ناخواسته- برایش چیزی را انتخاب کند که هوای نفس وی می‌طلبد.

در حدیث شریف آمده است که رسول الله ﷺ عده‌یی از اصحاب را به خاطر برخی از ویژگی‌های آن‌ها توصیف نمودند، در صحیح مسلم آمده که رسول الله ﷺ

فرمودند: «قرآن را از چهار تن بگیرید، از فرزند ام عبد (عبدالله بن مسعود) و معاذ بن جبل، ابی بن کعب و سالم غلام ابو حذیفه».

در باره خالد بن ولید گفتند: «آری، عبدالله خالد بن ولید شمشیری از شمشیرهای خدا است» (به روایت ترمذی). و فرمودند: «مهربان‌ترین امت من بر اتمم ابوبکر است، سخت‌گیرترین شان در امر خدا عمر است، راست‌گوترین شان از روی حیا عثمان است، داناترین شان به حلال و حرام معاذ بن جبل است، داناترین شان به فرایض زید بن ثابت، قاری‌ترین شان ابی بن کعب است و هر امتی امینی دارد و امین این امت ابو عبیده بن جراح است» (به روایت ترمذی).

از این روایت‌ها چنین استنباط می‌شود که هر چند اوشان همه برگزیدگان این امت بودند؛ اما هر یکی از آنها یک نقطه برتری بر دیگران داشت که در آن از بقیه پیشی گرفته و توان بیش‌تری در انجام آن داشته است.

۱۹- جاده مشترک

هرگز ممکن نیست که دعوت‌گران در اهداف، وسایل و اولویت‌های خود یک نمونه واحدی باشند؛ به ناچار در میان شان اختلافات کوچک یا بزرگی وجود دارد؛ اما اگر انسان به خوبی دقت کند درمی‌یابد که نقاط مشترک بسیاری در میان این افراد در عقیده، عبادت، اخلاق و معاملات وجود دارد که فقط دشمنی - با غبار، عناد و انشعابات خود - باعث از بین رفتن و نادیده گرفتن آن می‌شود؛ چون دایره اختلاف ده برابر بزرگ‌تر از آنچه است به چشم می‌آید و دایره اتفاق ده برابر کوچک‌تر از آنچه است تبارز می‌کند؛ بنابراین در میان دعوت‌گران یک راهی که مورد اتفاق همگی است و یک سرزمین مشترک وجود دارد که همگی باید با آن آشنایی داشته

و بدان خرسند باشند و از خلال این راه کار کنند و با آرامش، شکیبایی و دوام در پی گسترش و توسعه آن باشند تا بیشترین تعداد ممکن را در بر بگیرد.

۲۰- وحدت اندیشه

یکی از اسباب پراکندگی و اختلاف در میان دعوت‌گران مسلمان نبود کوچک‌ترین حد اشتراک از وحدت اندیشه است، امری که حتی تا کنون منجر به اختلاف اهداف، وسایل و اولویت‌ها شده، به علاوه باعث ایجاد دل‌سردی و چه بسا نفرت و کینه‌توزی در میان افراد می‌شود.

بنابراین نهادهی ساختن وحدت فکری در میان دعوت‌گران به طور عموم و به گونه ویژه در میان جوانان نیاز به توجه شایانی دارد.

این مهم با نشر فرهنگ شرعیِ قایم بر پایه کتاب و سنت، روحیه میانه‌روی، هم‌کاری، آسان‌گیری، برادری، انصاف، در نظر داشتن فقه اولویت‌ها، هنر خطاب و سخن‌وری، ادب اختلاف و تأکید بر شمولیت اسلام و صلاحیت آن در هر زمان و مکان، ممکن خواهد بود.

از امور دیگری که ما را در این زمینه کمک می‌کند، استفاده از تألیفات است که با این هدف هم‌خوانی داشته و با کمال دقت گزینش و گل‌چین شده باشد، به گونه‌یی که این نوشته‌ها در دست‌رس دعوت‌گران و جوانان قرار گرفته و باربار در آن‌ها تجدید نظر و بازنگری صورت بگیرد، دقیقاً همان‌طور که برنامه‌های درسی و کاریکولم‌های مکاتب در وزارت تعلیم و تربیه پیوسته تحت بازنگری و تغییر است.

۲۱- گروهی از مسلمانان

ما ایمان داریم که هر جماعت، یا حزب و یا حرکت دعوی تنها گروهی از مسلمانان اند، نه همهٔ مسلمانان، ارزش هر کدام آن‌ها در درست‌اندیشی و فعالیت‌های عملی آن‌ها است.

۲۲- در میان رسمیت و ملیت

فعالیت‌های اسلامی رسمی کارهایی است که نهادهای دولتی تابع حکومت به انجام آن مبادرت می‌ورزند و فعالیت‌های اسلامی بومی کارهایی است که نهادهای بومی و ملی‌یی که تابع و زیردست حکومت نیستند به انجام آن دست می‌یازند.

معمولاً در میان این دو نوع گرایش بدگمانی، کمین‌گیری، اتهام‌بستن یا دشمنی نسبت به یک‌دیگر وجود دارد، پس ابتدا باید دو امر مهم را یادآوری کنیم:

نخست این که هیچ یک از آن‌ها به سوی اشتباه مطلق هم روانه نیستند، به سوی حقیقت و درست‌کاری مطلق هم، هر کدام از این دو حوزه، در کارهای خویش هم مرتکب اشتباه می‌شوند و هم درست‌کاری.

دوم این که گاهی در برخی جای‌ها تغییر و تبدیلاتی صورت می‌گیرد که بومی به رسمی یا رسمی به بومی و ملی تبدیل می‌شود.

مهم این است که هر دو حوزه پیوسته تلاش‌های خستگی‌ناپذیر، حکیمانه و مخلصانهٔ خود را در راه ایجاد پل‌های اعتماد، تفاهم، هم‌کاری و آسان‌گیری به خرج دهند؛ چون دعوت مسئولیت و رسالت‌همگانی است. در صورت در نظر داشتن این امر فواید زیادی را شاهد خواهیم بود، در غیر آن همگی اعم از رسمی‌ها و بومی‌ها در چنگ زنجیرهٔ خستگی‌ها و مصیبت‌ها گرفتار می‌شوند.

هر چند که این امر کار ساده‌یی نیست؛ اما ناممکن هم نبوده و به خاطر اهمیت شایانی که دارد تلاش‌های خستگی‌ناپذیر ما را در این زمینه می‌طلبد.

۲۳- کار سازمانی

ما به کار گروهی منظم در چوکات سازمان باور و ایمان کامل داریم، البته همان کارهایی که نخست به اخلاق اسلامی احترام قایل است و در ثانی به قوانین و لوايح کاری خود سازمان پای‌بندی کامل داشته باشد؛ چون یقین داریم که کارهای سازمانی سرانجام سودمندتری برای امت دارد، از کارهای فردی دوام‌دارتر است، در حالی که در هر کدام خیری نهفته است، و اما ما یقین داریم که کار سازمانی بیش‌تر قابلیت بازنگری، تصحیح، ارزیابی و تجدید را دارد؛ چون به باور ما افراد از بین می‌روند؛ اما پس از ایشان کارهای سازمانی مستمر و دائمی شان هم‌چنان درجا و باقی است.

۲۴- روحیه کار گروهی

ما پیوسته در پی ریشه‌دار کردن روحیه کار گروهی در میان کارکنان و نهادینه ساختن اصل کار مشترک در میان شان هستیم، از جمله فعالیت‌هایی که در راه رسیدن به این مهم انجام می‌شود به این موارد می‌توان اشاره کرد: تقدیر از افراد با سابقه، تشویق ارتباطات میان نسل‌ها به گونه‌یی که از حکمت پیران و جوش و خروش جوانان استفاده کنیم، ترجیح دادن مصلحت عام بر مصلحت خاص، اتفاق نظر بر راه‌های بیرون‌رفت شرعی معاصر برای وقایع از مشکلات و اختلافات قبل از وقوع و نشر روحیه عدالت مالی و اداری در میان کارمندان.

۲۵- شوری

خداوند تعالی می‌فرماید: {وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ} و کارشان در میان شان مشورت است { [شوری: ۳۸]. {وَاَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ} و در کارها، با آنان مشورت کن! { [آل عمران: ۱۵۹].

ما پیوسته به اصل شوری فرامی‌خوانیم، هم‌چنانی که به اندیشیدن و نوآوری و احترام به نظریات مخالف و موافق در یک سطح دعوت می‌دهیم، ما به هر انسان حق اندیشیدن و تعبیر و تفسیر مسایل را می‌دهیم و به این امر فرامی‌خوانیم که همگی باید به تصمیم گرفته‌شده پای‌بندی نشان دهند، البته مادامی که با احکام صریح و واضح شریعت مخالفت نداشته باشد.

برای این که تصمیم، درست از آب به‌درآید و یا نزدیک به درستی باشد، باید از طرف مرجع قابل اعتمادی اتخاذ شده باشد، این امر تقاضای این را می‌کند که مرجع، معلومات لازم را به طور کامل داشته و مذاکرات و گفت‌وگوها راست، عینی و با کمال امانت باشد.

۲۶- تناوب و دست به دست شدن صلح‌آمیز

دعوت گران باید به مکانیزم حکیمانه، صریح و قاطعی دست یابند که بدان پای-بند باشند، تا از طریق آن تناوب و دست به دست شدن مسؤولیت در سازمان‌های دعوی با کمال سادگی، خشنودی، صلح و دوستی صورت بگیرد، این امر مانع خودخواهی، احتکار و قیمومت شده و باعث از بین رفتن تقسیمات و پراکندگی و بروز فتنه‌ها می‌شود و ناتوانی و جمود را از میان برمی‌اندازد، در مقابل فرصتی برای نوآوری و تجدید فراهم می‌کند و ساحة ارتباط بین نسل‌ها را گسترش داده و ما را

کمک می کند تا تعداد بیش تری از افراد را آماده به دوش کشیدن بار رهبریت بسازیم و در عین حال روحیه کار گروهی را ریشه دار ساخته و احترام به کار سازمانی را به وجود آوریم.

۲۷- خصوصیت مطلوب

ما باید دعوت گران دانش مند و مصلح گذشته و معاصر را دوست بداریم، برای شان دعای خیر نموده و به تأسی از ایشان راه خود را ادامه دهیم؛ اما هرگز نباید آن ها را به حد تقدس بزرگ بشماریم و تجارب شان را حرف به حرف دنبال کنیم، به نوعی که از ویژگی های عصر خود مان که زمان، مکان و شرایط خاص خود را دارد، غافل بمانیم، بناء ما هم تلاش می کنیم همان گونه که آن ها تلاش کردند، ما هم به کارهای خویش رسیدگی می کنیم همان طور که آن ها به کارهای شان می رسیدند.

۲۸- تقدیر نه تقدیس

به طور طبیعی و فطری مسلمان شایسته این است که رهبر دعوی خود، شیخ علمی، یا امام مسجد و افرادی همانند ایشان را دوست بدارد؛ اما این محبت و دوستی نباید از حد معمول خود بگذرد، چرا که طرف داران آیین های پیشین زمانی از راه راست گم راه شدند که در تعظیم و بزرگ داشت پیامبران و افراد نیک شان زیاده روی کردند و ایشان را در ولاء با خداوند تعالی شریک قرار دادند و به ترتیب از توحید به سوی شرک روانه گشتند. یکی از بیماری های شایع در میان مسلمانان اعم از افراد عادی و دعوت گران؛ پیوند افراطی آن ها با افراد مرجع شان است؛ مسلمانان این افراد مرجع را معیار شناخت حق و باطل و درست و نادرست قرار دادند و به گمان شان

این‌ها معصوم و پاک به نظر می‌رسیدند، گویا که این قاعده را فراموش کرده‌اند که «اشخاص را با حق می‌شناسیم، نه حق را با اشخاص».

این زیاده‌روی حتی تا امروز یکی از دلایل پراکندگی و متفرق شدن مسلمانان و انتشار کینه و کدورت در دل‌های اعضای دعوت بوده است.

راه حل این است که مردم افراد مرجع خود را با میانه‌روی تمام بشناسند و ایشان را با این نگاه بنگرند که آن‌ها بشراند و احتمال انجام کار درست و نادرست از ایشان می‌باشد، میزان محبت، تقدیر و ولاء با آن‌ها باید به اندازه برحق بودن و عملی کردن سخنان شان باشد. مسلمان در طلب حق است، مرجع وسیله است و از بین رفتنی؛ اما اندیشه‌یی که هدف مورد نظر است هم‌چنان باقی است.

۲۹-مرحبا به دیگران

اصول و اساسات ما ملکیت ما نیست؛ ما ملکیت آن‌ایم، بنابراین تلاش‌های افراد دیگری که برای اصول دینی مان کار می‌کنند، نباید ما را دل‌تنگ بسازد؛ اگر چه که آن‌ها به شیوه‌یی دیگر و اجتهادات دیگری قابل باشند، بلکه باید به کار شان شادمان شویم؛ چون تلاش‌های آن‌ها و تلاش‌های ما در یک نقطه مشترک به هم می‌آیند و آن خدمت به دعوت است، ما باید به ایشان خدمت کنیم و تلاش‌های شان را ارج بگذاریم، خیرخواه شان باشیم و به اندازه توان با ایشان هم‌کاری کنیم. هم‌چنان ما باید از تلاش‌های دیگر افراد و گروه‌ها، هر چند که اندک باشد بهره ببریم، اگر چه که در آن کوتاهی‌ها و اشتباهاتی نیز به چشم بیاید. ما باید افراد نیکی را که با آن‌ها مخالفت داریم معذور بدانیم، تا به این قاعده مشهور (منار) از شیخ محمد رشید رضا

چنگ زده باشیم: «در چیزی که با هم هم‌نظر بوده و اتفاق داشتیم یک‌دیگر را یاری می‌رسانیم و در چیزی که با هم اختلاف داشتیم هم‌دیگر را معذور می‌دانیم».

۳۰- راه درست را منحصر به خود نمی‌دانیم

ما با کمال آشکارانگی و وضوح اعلان می‌کنیم که صواب و راه درست در قبضهٔ احتکار و انحصار ما نیست، دیگران را نیز از افتادن در توهم احتکار آن هشدار می‌دهیم، ما به وسایل و اهداف خود باور داریم؛ اما ادعا نمی‌کنیم که کامل‌ترین‌ها است، از کسانی که اشتباهات و کوتاهی‌های ما را به ما گوش‌زد می‌کنند سپاس- گزاریم و از ایشان استقبال می‌کنیم و به انتخاب دیگران در اهداف و وسایل شان احترام می‌گذاریم.

از همهٔ ما تقاضا می‌رود که نیت‌های مان را برای پروردگار مان خالص بگردانیم و به جست‌وجوی صواب باشیم، به زیور شجاعت و جسارت در نوآوری و ابتکار آراسته شویم، اگر از ما اشتباهی سر زد با صراحت بدان اعتراف کنیم و اگر دیگران به راه درست روانه شدند با کمال خوشی اظهار شادمانی کنیم.

یکی از لوازم این مهم این است که یک‌دیگر را به رد و بدل کردن تجارب مان فراخوانیم، این کار اهمیت بسزایی در غنامندی اطلاعات دعوت‌گر و سازمان به اثر داد و گرفت از یک‌دیگر دارد؛ چون هیچ کس فراتر از نصیحت و رهنمایی نیست و هرگز ممکن نیست کسی راه درست و صواب را منحصر به خود کرده باشد و یا دیگران اشتباه را به طور کل به تملک انحصاری خویش درآورده باشند.

محور چهارم

توسعه و کارایی بخشی در فعالیتهای دعوی

۳۱- مشخص کردن اهداف

همه فعالیت‌های دعوی یک سلسله اهدافی دارند که مشخص کردن آن‌ها بسیار مهم است؛ بناءً کسانی که مشغول هر گونه فعالیت دعوی اند باید خواسته‌های شان را با کمال دقت و شفافیت مشخص کرده و آن را به شکل نوشتاری در آورند، به نحوی که نه تنها هر جمله که هر کلمه آن از نگاه دقت، شفافیت، درستی، میزان نیازمندی و توانایی محوریت دادن به آن دقیقاً حساب شده باشد، هر کسی که چه فرد باشد و چه گروه- آرزوهای زیبا و خیالات آسمانی را با واقعیت موجود به هم آمیزد، چانس ناکامی اش بیش از کامیابی است، امید ناکامی آن بیش از پیروزی است، و چه بسا که به نابودی نیز بینجامد. مسلم است که اگر از یک فرد اشتباهی سرزند یک مصیبت و فاجعه است و اما اگر از گروهی اشتباهی سرزند فاجعه‌یی است دوگانه.

از سرسخت‌ترین انتقاداتی که متوجه فعالیت‌های دعوی می‌شود، این است که بیش‌ترین دعوت‌گران (چیزهایی را که نمی‌خواهند) می‌دانند؛ اما (چیزهایی را که می‌خواهند) به طور دقیق نمی‌دانند، پس اگر فعالیت‌های دعوی بر پایه اهداف نادرست و یا درست؛ ولی ناممکن بنا یافته باشد، در واقع منجر به آزار و اذیت اعضای خود می‌شود؛ چون به دنبال سرابی هیچ و پوچ روانه است، و تنها حسن نیت این دعوت‌گران ضامن موفقیت شان بوده نمی‌تواند؛ به خاطری که نیت نیک نیمی از کار است و نیم دیگر آن درستی کار است.

بناءً افرادی که به فعالیت‌های دعوی می‌پردازند باید با آشکارانگی تمام بدانند که ایشان کیستند؟ و چه می‌خواهند؟ سپس در پرتو این پاسخ‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های شان را مشخص کنند؛ و به این ترتیب با خود و با کسانی که دعوت شان را لیبک

می‌گویند امانت‌دار و درست‌کار باشند، اگر این کار را کردند تیر به هدف زده‌اند و گر نه فاجعه‌ی بزرگ برای این امت به ارمغان آورده‌اند.

۳۲- به سوی آینده

زمان، به دستور خداوند تعالی پیوسته در حرکت است و درنگ نمی‌کند؛ زمان حال فرزند گذشته و پدر آینده است؛ بناء فعالیت‌های دعوی باید از تجارب پیشین پند بگیرد، با حال تعامل نیکی داشته باشد، آینده را بسازد، به اندازه‌ی توان خود از اسباب و وسایل استفاده کند و با ایمان و توکل، نتیجه‌ی کار را به پروردگار و آفریننده‌ی اسباب واگذار کند.

بناء دورنگری در باره‌ی آینده و برنامه‌ریزی برای آن، از جمله ضروریات و لوازم فعالیت‌های دعوی بوده و یکی از نشانه‌های کمال و اسباب پیروزی آن می‌باشد، اگر چنین شود تیر به هدف خورده است و گر نه در آن فعالیت‌ها ایستایی و گوشه‌گیری حکم‌فرما می‌شود؛ و در آینده‌های نزدیک تبدیل به یک روایت و خبری می‌شود که وظیفه‌اش را اداء کرده و دست‌روزگار در همش پیچیده است.

اسلام دین آینده‌نگری است، این موضوع در بسیاری از امور اسلامی مشهود است؛ از جمله فراخوانی اسلام به ناظر دانستن الله تعالی و آمادگی گرفتن برای روز حساب؛ چون آینده واقعی ما آن‌جا است. همه‌ی ما داستان یوسف (ع) را می‌دانیم؛ آن-گاه که مصر را با برنامه‌ریزی آینده‌نگر و حکیمانه‌ی خویش، از گرسنگی‌های چندساله نجات داد، پیامبر مان محمد. / توجه شایانی به برنامه‌ریزی برای آینده در همه‌ی کارها داشتند، به گونه‌یی که با تمام جزئیات برنامه‌ریزی می‌کردند، این امر را در هجرت به سوی حبشه و مدینه‌ی منوره، معاهده‌یی که با یهود بستند، سربیه‌هایی که به اطراف

جهان عرب روانه می کردند، در نبردهایی که به رهبری ایشان بود، در پیام ها و نامه هایی که به دیگران می فرستادند، در دیدبان همه جانبه یی که در امور داخلی و جهانی داشتند، در احصائیه دقیقیه که از تعداد مسلمانان در مدینه منوره داشتند و خلاصه در امور دیگری که سیرت مبارک شان انباشته از آن است؛ به درستی مشاهده می کنیم.

۳۳- نوآوری بینش مندانه

ما به ارزش نوآوری های پی در پی و دوام دار ایمان کامل داریم و در عین حال به امور ثابتی که نمی توان به آن دست تغییر زد نیز باور داریم، به این ترتیب قاعده به هم آیی «قدیم» خوب و «جدید» سودمند به دست آمده و برآیند آن ارتباط با عصر جدید و شناخت قضایا و مسایل آن است، به این ترتیب است که پویایی به ما ارزانی می کند که ما را از جمودگرایی و ایستایی، ناتوانی و انزوا در امان می دارد.

در فعالیت های اسلامی باید اصول، برنامه ها، شعارها و رهبریت شان پیوسته مورد بازبینی قرار بگیرد، این بازبینی باید در پرتو شناخت درست و نادرست، ناتوانی و مؤثریت، ممکن و ناممکن و متغیرات داخلی و جهانی بوده و در نتیجه برخی موارد را جلو و دنبال کند، برخی دیگر را اصلاح و لغو کند، برخی موارد را اضافه و حذف کند و بالاخره برخی را مهم و برخی دیگر را نامهم جلوه دهد. این فعالیت ها باید اشتباهات شان را در ملاء عام به آشکارانگی اعلان کنند تا نسل های آینده آن ها را تکرار نکنند و به این ترتیب افق های تازه یی برای این فعالیت ها در نظر داشته شود، اگر چنین شد، معلوم می شود که این حرکت زنده و پویا بوده و توانایی ادامه دادن راه را دارد و این مژده خوب و خوشایندی برای ما است. و اگر چنین نشود فعالیت ها

در هاله ایستایی و فرسودگی درمی آید و این در واقع هشدار است برای وخیم ترین شدن عواقب این فعالیت ها.

۳۴- خودکفایی

ما پیوسته به سوی خودکفایی و تا حد امکان استفاده از امکانات خاص و ویژه یی برای رسیدن به این خودکفایی فرامی خوانیم؛ چون صدقات و بخشش ها منبع نادوام دار و ناپای داری بوده و هیچ ضمانتی برای ادامه آن نیست، شاید از مهم ترین روش های خودکفایی تأسیس نهادهای وقفی متناسب با توانایی ها و شرایط موجود باشد.

۳۵- الگو و نمونه یی برای پیروی

هر نهاد دعوی باید در اصول، روش ها، برنامه ریزی ها و منش کارکنان خود از الگوهای عالی دیگری که در فعالیت های دعوی موفق و حکیمانه مشغول اند، پیروی و تقلید کند، چنان الگوهایی که اگر دیگران ببینند آن را پسندند و در پی دنباله روی و تقلید از آن باشند.

۳۶- جای گاه و منزلتی که درخواست نمی شود

دعوت شریف ترین وظیفه و فعالیت در زندگی است؛ چون رسالت پیامبران و فرستادگان الله تعالی است.

معمولا -اکثریت اوقات- کسی که امر دعوت را به دوش دارد، احترام و محبت مردم را به دست آورده و به این ترتیب جای گاه ویژه یی را کمایی کرده است. اما مهم این است که کسی که برای رضای الله تعالی کار می کند، هدف اساسی اش به

دست آوردن غنیمتِ مقام و جای گاه نبوده؛ بلکه تلاش وی به خاطر رضای او تعالی باشد، حال اگر در چنین حالتی فرد منزلت ویژه‌یی به دست می‌آورد، بدون این که او خودش منتظر و چشم‌به‌راه آن باشد، باید خداوند را بر این کار سپاس بگوید و تلاش کند به همان سطحی برسد که مردم وی را در آن جای گاه تصور می‌کنند، و در مقابل، با مردم با محبت، نیکی و فروتنی برخورد کرده، در راه خدمت به ایشان تلاش کند و از دست‌مایه‌های شان اظهار بی‌نیازی نماید.

در این میان باید یادآور شد که عفت و فروتنی به معنی کناره‌گیری مطلق، از به دوش گرفتن هر نوع مقام و منزلتی نیست؛ چون در این صورت با اهداف خداوند دانا و آگاه در خلیفه گرداندن انسان و آبادانی دنیا تناقض خواهد داشت، پیامبر ما یوسف (ع) در به عهده گرفتن منصب بلندی که به ایشان واگذار شده بود، برای مان الگوی خوبی است؛ به نوعی که توانست از طریق آن مقام بر پایه دیدگاه ارزشی و اخلاقی خود، به جامعه مفید واقع شود؛ همان دیدگاهی که نقش مؤثری در انسجام منظومه اجتماعی بر پایه عدالت و شایستگی داشت.

فرد خودکفا می‌تواند ظرفیت و توانایی خود را در خدمت جامعه و ملت خویش و به طور کل همه بشریت به کار برد، بر پایه سخن پیامبر: / تنها نیت است که اساسا مرز پذیرش یا عدم پذیرش عمل را به دربار پروردگار تعالی تعیین می‌کند: **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ.** همانا [قبولی] اعمال و کردار به نیت بستگی دارد، و هر کس از کردارش به اندازه نیتش اجر و ثواب می‌برد، پس کسی که هجرت و انتقال او برای خدا و پیامبر بوده باشد، این هجرت به سوی خدا و پیامبر اوست، و هر کس هجرتش به خاطر مال دنیا

باشد و یا به خاطر زنی که بخواهد با او ازدواج کند، هجرت او برابر با همین قصد و همت اوست (به روایت بخاری).

۳۷- شایسته‌سالاری

نهادهای اسلامی باید رهبریت‌های خود را پس از بررسی دقیق و امتحان و آزمایش، از عناصر شایسته‌جامعه که سزاوار این وظیفه مهم اند، انتخاب کنند. اما با تأسف که بسیاری از شاخه‌های فعالیت‌های اسلامی به میزان و اندازه‌های متفاوتی به این مهم پای‌بند نیستند؛ این یکی را به خاطر فصاحت کلام وی مقدم می‌دانند، آن دیگر را به خاطر آبروی اجتماعی‌اش مقدم می‌کنند و دیگری را نیز به خاطر عصبیت منطوقی وی که باعث صدرنشینی وی می‌شود مقدم می‌دانند و به همین ترتیب تا به آخر.

شایستگی و کارآیی فرد از خلال معیارهای ارزش‌مند و قاطعی شناخته می‌شود که بزرگ‌ترین آن معیار شریعت بوده و ملت با آغوش باز این معیار را پذیرفته است، معیارهای شرعی عبارت است از پیش‌دستی، تقوا، دانش و کفایت. نقطه استادی و برتری برای هر مقام و منصبی با سرشت آن هم‌خوانی دارد.

۳۸- چاره‌ی جز پای‌بندی نیست

هر یک از شاخه‌های فعالیت‌های دعوی باید در تمام اصول، روش‌ها، برنامه-ریزی‌ها و کنش‌ها و اخلاق بزرگ‌منشانه همه اعضا به ویژه رهبریت خود الگو و نمونه‌ارزنده‌ی باشد که تصویری از درست‌کاری، اخلاص، راستی و جدیت را به نمایش بگذارد، به گونه‌ی که الگوی موفق باشد که وقتی در منظر دید دیگران قرار

می گیرد، مورد احترام و پسند آن ها بوده و مورد تقلید و پیروی واقع شود، پس اگر کم ترین ضربه یی به این ویژگی ها وارد شود، حرکت دعوی مضر خواهد بود و نبودن آن از بودنش به تر است.

نهادهای دعوی یی که به اندازه کافی به اخلاقیات دینی یی که به خاطر آن فعالیت می کنند و به قوانین و نظام هایی که مسیر آن را کنترل می کند، پای بندی نداشته باشد، در واقع بار دوشی است که به شکل انبوهی از بمب های ساعتی گرد آمده و در آینده نه چندان دوری انفجار کرده و فاجعه یی بزرگ و رسوایی یی عام به بار خواهد آورد.

دعوت گران باید به یاد داشته باشند که الگوی نیک از بزرگ ترین وسایل در فعالیت های دعوی از نگاه ارزش مندی و موفقیت است، تا کنون دعوت گران مسلمان با اسباب و وسایل گوناگونی اسلام را منتشر کرده اند که در رأس آن الگوی نیک است؛ بناء اول تر از همه آن ها باید الگوی عملی نیکی از سخنانی باشند که به آن دعوت می دهند.

۳۹- نرگسی ها و لحظه جدایی

در افسانه های یونان باستان آمده است که جوانی به نام (نارسیس) به برکه آبی زلال نگاه می کند، آن گاه که تصویر خود را در آن می بیند، به برق و درخشش آن خیره می شود و تا دم مرگ چشم از آن بر نمی دارد و به این حال می میرد، در آب گل نرگس می روید، از آن زمان اصطلاح نرگس انگی رواج می یابد و مراد از آن فریفته شدن انسان به خود است، به گونه یی که این فریفتگی او را به کام مرگ و نابودی برد.

در میان نهادهای اسلامی نیز افرادی از این نرگسی ها اند که باید دامن این نهادها از لوث این افراد پاک شود، هر چند که این ها صفات ویژه خود را داشته و توانایی های بزرگی نیز داشته باشند.

این ها شر محض نیستند؛ بلکه در ایشان ویژگی های ستودنی یی نیز وجود دارد، اما این ها تا زمانی به فعالیت های اسلامی خدمت می کنند که با خواهشات خود شان در تضاد نباشد، که اگر چنین بود، این جا است که از آن جدا می شوند، چه بسا که پس از این به دشمنان سرسخت فعالیت های اسلامی می پیوندند و باز لحظه جدایی به ناچار فرامی رسد؛ چون این ها بندگان خواهشات نفسانی خویش اند. بناء این افراد بسان بمب های ساعتی یی می مانند که داخل شدن شان در دامنه نهادهای اسلامی اشتباهی بزرگ است و کشنده تر از آن اشتباه، وجود کسی است که به این افراد اجازه داخل شدن در فعالیت های اسلامی را داده است.

۴۰- روحیه مثبت اندیشی

ما همیشه به تمرکز بر نقاط مثبت، خوش بینی، نوید و بشارت و آسان گیری فرامی خوانیم، همان گونه که به دوری از نقاط منفی، بدبینی، دل سردی و انزجار و سخت گیری فرامی خوانیم.

۴۱- دو دایره تأثیر گذاری و دل نگرانی

مسلمان در زندگی اش دو دایره دارد:

دایره نخست؛ دایره تأثیر گذاری است، هدف از آن اموری است که فرد از عهده کار و فعالیت در آن ها برآمده و به نحوی می تواند برای خود و دیگران مفید

واقع شده و تأثیرگذار باشد، مانند توجه به سلامتی و خوراک، خدمت به خویشاوندان و دوستان، رهنمایی اطرافیان، گسترش و توسعه توانایی‌ها، بیدارخواهی کشیدن بر خانواده، شناخت قوانین حاکم بر کارها و قوانین وطنش و غیره.

دایره دوم؛ دایره دل مشغولی است، هدف از این دایره پی‌گیری امور منطقه و جهان است، اموری که خود فرد نمی‌تواند به هیچ‌میزانی چه کم و چه زیاد- در آن تأثیرگذار باشد؛ مانند بلند رفتن نرخ بشکه‌های نفت، دگرگونی آب و هوا، آلودگی، قحطی‌ها و غیره.

مسلمان بخرد خواهان این است که بیش‌ترین توجه خویش را بر دایره نخستین متمرکز کند؛ چون در این محدوده می‌تواند تأثیرگذار بوده و در واقع همین‌جا خاست‌گاه مکلفیت‌های شرعی او است.

و اما تعامل مسلمان با دایره دوم باید در محدوده تنگی قرار داشته باشد؛ به گونه‌یی که از آن‌چه در عصر زندگی وی می‌گذرد آگاه بوده و با دیگران در ارتباط باشد، همین‌قدر از این دایره برایش کافی است.

اما اگر پای فراتر از این گذاشت، گویا از خط قرمز گذشته و به دایره ممنوعه درآمده است و تلاش، وقت و اعصاب خود را در چیزی هدر داده است که باعث اندوه وی شده و او را یارای تغییر و اصلاح آن نیز نمی‌باشد، بناء پیوسته در نگرانی، آزرده‌گی خاطر و اندوه می‌ماند و چه بسا که با خود خلوت می‌گزیند و حتی از کاری که توان انجام آن را هم دارد عقب‌نشینی می‌کند، و در این مورد به خود بهانه‌تراشی کرده و چه بسا که کم‌کاری و گناه خویش را به گردن تقدیر می‌اندازد. چه زیبا است این سخن حکیمانه که می‌گوید: «افراد موفق در آفرینش راه حل‌ها و جای‌گزین‌ها مهارت دارند و افراد ناموفق در آفرینش دلیل‌ها و بهانه‌ها».

۴۲- مسؤولیت بشریت

خداوند وعده داده است که از دین خویش حفاظت و حمایت کند؛ اما او -به حکمت قابل ملاحظه خویش- مسلمانان را عهده‌دار این مسؤولیت بزرگ نموده است، این دین، اگر چه حق آشکار است؛ اما سنت چنین است که به دستان بشریت قد علم کند، همه ما جان‌فدایی‌های بزرگ پیامبران گرامی^(ع)، حواریان، اصحاب و پیروان شان را در راه یاری رساندن به این دین می‌دانیم پس به ایشان اقتدا می‌کنیم و بر راه ایشان روانه می‌شویم.

۴۳- بلکه ایشان خود مسؤول اند

بسیاری از دعوت‌گران چنین تصور می‌کنند که ایشان در مقابل بازده و نتیجه تلاش‌های دعوی شان در صورتی که به ناکامی بینجامد، هیچ مسؤولیتی ندارند، این امر نیازمند یک قاعده اصولی برای تنظیم و سازمان‌دهی فعالیت‌ها می‌باشد، و گر نه واگذاری آن به طور مطلق خطر بزرگی است که خفیف‌ترین شکل آن نبودن عنصر محاسبه، پرس و جو و مساوی پنداشتن نیکوکار و بدکار است.

اگر دعوت‌گران نیت شان را خالصانه برای خدا قرار دهند، در جست‌وجوی راه درست باشند و به اندازه توان خویش تلاش به خرج دهند؛ در صورت موفقیت در خور سپاس و ستایش اند و در صورت ناکامی معذور اند، اما اگر یک یا بیش از یک شرط از این شروط وجود نداشته باشد؛ حرکت به زودی به سوی ناکامی روانه می‌شود و این دعوت‌گران خود مسؤول این گونه نتیجه و بازده اند.

۴۴- ارزش‌مندی محاسبه

اصل محاسبه یکی از اصول ریشه‌دار اسلامی و یکی از روش‌های والای تمدن جدید است، بناء ما باید با کمال اشتیاق، پیوسته به انجام آن مبادرت ورزیم. محاسبه ممکن است از طریق صراحت و بی‌پردگی، نقد خودی، بازبینی پیوسته و ارزیابی و اصلاح همیشگی صورت بگیرد، به گونه‌یی که نقاط مثبت را بشناسیم، آن را نگه-داریم و بر آن‌ها بیفزاییم، و به همین ترتیب نقاط منفی را تشخیص داده، از آن‌ها برحذر بوده و از شرشان رهایی یابیم؛ چون اقدامات عملی انسان مستلزم درستی و نادرستی است.

محور پنجم

فقہ دعوت

۴۵- فقه اجتهاد گروهی

ما کاملاً باور داریم و پیوسته تأکید می‌کنیم که اسلام دینی است که برای هر زمان و مکانی کارآیی داشته و توانایی حل مشکلات نوپیدا را دارد و هم‌چنان علما و فقهای این دین را به ارائه این راه حل‌ها فرامی‌خوانیم و نهادهای اجتهاد گروهی را با شادمانی پذیرا شده، استقبال می‌کنیم.

از این قبیل نهادها می‌توانیم به انجمن تحقیقات اسلامی در مصر، انجمن فقه اسلامی در اتحادیه جهان اسلام، انجمن فقه اسلامی در خرطوم، مجلس فتوا و تحقیقات اروپایی، مجلس فقه اسلامی در امریکای شمالی و غیره اشاره کنیم. ما تأسیس این گونه نهادها را گامی در اوج ارزش‌مندی می‌دانیم و امیدواریم که این نهادهای مبارک با یک‌دیگر پیوند و انسجام یابد؛ چون این هم‌بستگی سود آن را چند برابر می‌کند و هم‌چنان امید می‌رود که سیستم‌های فنی شان توسط افراد متخصص و آگاه به پایه اكمال رسد، چون این امر مصداقیت و مؤثریت آن را بیش‌تر می‌کند.

۴۶- فقه اختلاف

اسلام به وحدت و یک‌پارچگی ارزش والایی قایل شده است و بر آن تشویق نموده و از نزدیک شدن به تفرقه هشدار می‌دهد؛ اما با این هم به تنوع و دگرگونی نوع بشر که منجر به بروز اختلاف می‌شود، اعتراف کرده و آن را یکی از سنت‌های الهی در آفرینش وی می‌داند.

اختلاف دو نوع است؛ مفید و مضر:

نوع مفید، اختلاف در اندیشه‌ها است؛ چون موجب بی‌نیازی از تجربه‌های انسانی می‌شود و با طبیعت اختلاف‌پذیر بشر هم‌نوایی داشته و بنابر اقتضای حکمت

الهی است؛ یعنی خداوند تعالی خود اراده بر این کرده که انسان‌ها را در خرد، در ک، فهم و شیوه‌های اندیشیدن دگرگونه بیافریند، همان‌گونه که در سرشت، رنگ، جثه و شکل‌های شان ایشان را یکسان نیافرید.

نوع مضر اختلاف آن است که در پراکندگی و تفرقه دل‌ها باشد، همان نوعی که آیات شریف و احادیث گران‌بها حکایت از تحریم آن دارد و از آن نهی می‌کند، از جمله در این سخن خداوند تعالی: *وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ* / و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن‌گاه که دشمنان [یک‌دیگر] بودید پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرت‌گاه آتش بودید که شما را از آن رهانید این گونه خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند باشد که شما راه یابید [آل عمران: ۱۰۳].

اختلاف مفید اختلاف تنوع و دگرگونی است و بسان روشن کردن شمع‌ها است که هر قدر تعداد آن زیاد شود، نور آن زیاد می‌شود، یکی، دیگری را خاموش نمی‌کند؛ اما اختلاف مضر اختلاف تضاد و تقابل است که منجر به کشمکش و دشمنی شده و همه اختلاف کنندگان را ضعیف می‌کند تا در نتیجه دچار سستی شده و انرژی شان را از ایشان بگیرد و در نتیجه سست و ناتوان شان کند.

اما با تأکید می‌گوییم که در اسلام منطقه در بسته‌یی است که اختلاف نظر هرگز اجازه ورود در آن را ندارد؛ چون این محیط نمایندگی از ثوابت دینی‌یی می‌کند که مسؤول حفاظت از هویت، روح، رسالت و وحدت و یک‌پارچگی عقیدتی، رفتاری و شعوری این امت می‌باشد و این (که عبارت است از باورها، عبادت‌ها، اخلاق و

احکام قطعی)؛ همان چیزی است که تقاضای آموزش فقه اختلاف و آداب آن و اعتراف و پذیرش حقوق دیگراندیشان را در این میان می‌کند، البته مادامی که در دایره مجاز شرعی باشد، مثلاً اختلاف نظر در اموری که وابسته به وسایل و اسباب قابل تنوع و تغییرپذیر بنابر زمان و مکان است.

۴۷- فقه گرایش به مذاهب فقهی

مذاهب فقهی به طور کل و به ویژه چهار مذهب مورد تقلید و پیروی، میراث گران بها و سرمایه گران ارجی است که از طرف علما به ارمغان آمده و قرن‌ها و سده‌های متوالی آن‌ها را صیقل داده است، این‌ها از افتخارات امت اسلامی است. مسلمان می‌تواند یکی از این مذاهب را انتخاب و پیروی کند و تا حد امکان با ادله مذهب خویش آشنا باشد، او باید به انتخاب دیگران احترام قایل شود و با ایشان با کمال ادب و عنیت -در صورتی که شرایط تقاضا کند- به گفت‌وگو بپردازد، و در گفتمان خویش در جست‌وجوی حق بوده و با رسیدن به حق شادمان شود، فرقی نکند که حق به جانب او است یا با طرف مقابلش.

همه این مذاهب به میزان متفاوتی بهره‌ی از درست و نادرست و فاضل و مفضول دارند، اما این تصمیم به عهده علمای ثابت‌قدمی است که توانایی مقایسه، تمیز، انتخاب و نوآوری در این مذاهب را دارند.

تعصب مذموم در مذاهب بی‌نهایت ضرر آفرین است؛ اما تخریب این مذاهب، سرستیز داشتن با آن، فراخوانی مردم عوام به ترک این‌ها و استفاده مستقیم از کتاب و سنت بسی ضررناک‌تر است، به علاوه فراخوانی به الغای این مذاهب نیز عملاً غیرممکن است، چون کسانی که در پی چنین تصمیماتی بوده و خودشان یا به انتخاب

خود و یا به انتخاب مشایخ دیگری بر مجموعه‌یی از اجتهادات و احکام فقهی اجماع می‌کنند و به این ترتیب -دانسته یا ندانسته- تهداب مذهب فقهی جدیدی را می‌گذارند و در واقع همان اشتباهی را مرتکب می‌شوند که در باب آن به دیگران انتقاد می‌کردند.

۴۸- فقه مقاصد

دعوت‌گران باید فقه مقاصد و اهداف کارها را به خوبی بدانند و از عمق آن آگاه باشند، آن‌ها نباید به ظاهر متون دینی چنگ بزنند، حرف حرف آن را بخوانند و از مقاصد، رازها و حکمت‌های پس‌پرده آن بی‌خبر باشند. هدف از این سخن، بی‌خبری از ارزش متون دینی و فرار از احکام شرعی نیست؛ بلکه مراد رسوخ کردن و درآمدن به ژرفای این متون و مقایسهٔ مواضع اتفاقی و اختلافی آن‌ها است، و همان‌گونه که هدف ما درک جزئیات در پرتو کلیات، فهم مقاصد عام شریعت و پی بردن به این قاعدهٔ فقهی است که می‌گوید: «العبرة بالمقاصد والمعانی، لا بالألفاظ والمبانی / اعتبار هر اصل به مقاصد و معانی آن است، نه به الفاظ و صورت‌های آن»، و قاعدهٔ دیگر شبیه آن که می‌گوید: «الأمر بمقاصدها / کارها به اساس اهداف خود شناخته می‌شوند».

بدون شک این موضوع خواستار این است که ما به افراد متخصص در این زمینه‌ها گوش فرادهیم تا با فقه مقاصد برخورد آگاهانه داشته و توانایی دست‌رسی به مقصد حقیقی از آفرینش را داشته باشیم.

۴۹- فقه اولویت‌ها

ما پیوسته بر فقه اولویت‌ها تأکید کرده، به قدر و منزلت آن می‌افزاییم و به سوی آن فرامی‌خوانیم، بناء مسایل و قضایای اسلامی همه در یک سطح قرار ندارند، به طور نمونه مسأله ایمان و توحید بسی مهم‌تر از مسأله دور کردن اشیاء موزی و آزاردهنده از راه است، فعالیت‌های اسلامی نیز همه به یک سطح اهمیت ندارد، بناء ما باید به خوبی از آن آگاه بوده و هر قضیه‌یی را به جای گاه اصلی‌اش بگذاریم، به علاوه هر چند از گاهی در ترتیب اولویت‌ها بنابر متغیرات بازنگری کنیم؛ چون نردبان اولویت‌ها در اسلام ثابت است؛ اما در فعالیت‌های اسلامی بنابر تغییر زمان، مکان و انسان‌ها دگرگون‌پذیر است. ما باید به اساس منطق اولویت‌ها توانایی سبک و سنگین کردن ضررها را در صورت وقوع آن‌ها داشته و بتوانیم ضرر کم‌تر را گزینش کنیم، در مقابل هم‌چنان توانایی سبک و سنگین کردن منافع را نیز در صورت فراهم شدن آن داشته و مفیدترین آن را انتخاب کنیم.

۵۰- فقه نتایج و پیامدها

شناخت فقه پیامدها برای دعوت‌گران از جمله ضروریات است؛ یعنی باید بدانند نتایج و حاصل‌دهی تصامیم مختلف شان چه خواهد بود. این شناخت مستلزم آگاهی عمیق از سنت‌های خداوندی، درک همه‌جانبه شرایط بومی، منطقه‌ای و جهانی است؛ بناء ایشان باید پیامدهای هر تصمیم را قبل از اتخاذ آن تصمیم به طور دقیق و عمیق بررسی کنند و تأثیرات این تصامیم را بر خود و اطرافیان خود بدانند و در محاسبات شان باور را بر گمان، حوصله‌مندی و بردباری را بر شتاب و توانایی را بر وهم و خیال ترجیح دهند.

۵۱- فقه واقعیت کنونی

دعوت گران باید توان آگاهی از فقه واقعیت کنونی را داشته و به خوبی از وضعیت و فضای دور و بر خویش آگاه باشد، ایشان باید فاصله میان آرزوهای خیالی و امکانات موجود را بدانند و به این ترتیب شعارها، اهداف و برنامه‌های شان قابلیت تطبیق و عملی شدن را پیدا کند. این امر مستلزم آماده‌سازی عقل و روان بوده و تقاضای گردهم‌آوری مردم در خصوص اموری گزیده‌شده آشکار، رعایت ضرورت‌ها و تکیه به سنت تدریج می‌کند.

۵۲- فقه میانه‌روی و اعتدال

اسلام دین میانه‌روی و اعتدال است و به دور از دو جهت نکوهیده افراط و تفریط می‌باشد.

خداوند تعالی مسلمانان را ستوده و در باره شان این چنین گفته است: {وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا} و ما هم چنان شما را به آیین اسلام هدایت کردیم و به سیرت نیکو بیاراستیم تا گواه مردم باشید و پیغمبر نیز گواه شما باشد { [بقره: ۱۴۳]؛ یعنی امتی میانه و گزیده‌شده، چون به‌ترین چیزها میانه آن‌ها است و زیاده‌روی و کم‌کاری هر دو نکوهیده است.

تفریط در کارها به این دلیل نکوهیده است که مصلحت فرد و گروه را ضایع می‌کند و افراط به این دلیل نکوهش شده که با سرشت انسان که تحمل زیاده‌روی را ندارد هم‌خوان نیست، بناء افراط تبدیل به غلو و زیاده‌روی شده و دست انسان از انجام کار کوتاه می‌آید و به این ترتیب تخم نابودی‌اش در درون خودش کاشته شده است، برای همین است که خداوند برای اسلام میانه‌روی و اعتدال را برمی‌گزیند؛

چون او انسان را آفریده و مکلفش گردانیده است، و او خود به سرشت، توانایی‌ها، ضعف و قوت او داناتر است.

به گونه‌ی مثال مسلمان از دنیا چنان کناره‌گیری نمی‌کند که از آبادانی دنیا چشم‌پوشد و وظایف خود را به درستی انجام ندهد و به این ترتیب بار دوشی برای جامعه شود، هم‌چنان‌که دیوانه‌وار پیوسته به دنبال زیاده‌خواهی در دنیا نیست؛ بلکه با کمال اعتدال و میانه‌روی به آن روی می‌آورد.

این میانه‌روی اسلام در عرصه‌های مختلف زندگی به گونه‌ی آشکار به چشم می‌خورد، چون اسلام دین جامعی بوده و خاتم ادیان است.

همان‌گونه که این اعتدال و میانه‌روی اسلام را، در آبادانی زمین و طلب روزی می‌بینیم، در عبادت، خرج و مصرف مال، معاملات، لباس، برابری و تعادل در میان خواسته‌های فرد و گروه، حقوق و وجایب، جسم و روح، عقل و دل و غیره نیز بدون افراط و تفریط می‌بینیم.

۵۳- فقه مصالح و مفاسد

اسلام به خواست خداوند بزرگ‌مرتبه در نیم قرن به اندازه‌ی وسعت و گسترش یافته که فراتر از پیش‌فرض ذهنی انسان‌های خوش‌بین است؛ این گسترش از یک جهت مایه‌ی شادمانی است، از آن‌جایی که دین الله متعال توسعه یافته و سیادت و سرداری را از آن خود می‌کند و از جهت دیگر مایه‌ی ترس و هراس است، چون بسیاری از فرزندان اسلام بهره‌ی کافی از تزکیه‌ی شرعی، پرورش اخلاقی و آگاهی سیاسی ندارند و همین امر فرصت خوبی برای روباه‌صفتان نیرنگ‌زن و پلید فراهم می‌کند تا در میان مسلمانان نفوذ کرده و ایشان را در ورطه‌ی کارهای نابخردانه بیفکنند،

این کاری است که تا کنون بارها اتفاق افتاده و هنوز هم ادامه دارد؛ برای همین دعوت گران دانا و بخرد باید در خصوص تزکیه، پرورش و آگاهی تازه راه یافته گان توجه شایانی کرده و با این کار خود زمینه مقدمه چینی برای به دست آوردن فرصت های تازه برای دعوت را فراهم آورند و در واقع به این قاعده اساسی عمل کنند: دفع مفاسد بر جلب مصالح مقدم است.

۵۴- فقه سنت های الهی

سنت های الهی -از روی عدالت و مهربانی خداوند به بندگانش - سنت هایی است بی طرفانه و همگانی، که از هیچ فرد، گروه و آیینی طرف داری نکرده و با هیچ یک سر کش ندارد؛ بلکه همه را به یک چشم می بیند. کسی که واکنش آن در مقابل این دین خوب باشد، -هر کس که باشد- راه یاب می شود و کسی که واکنش آن بد باشد، -هر کس که باشد- ناکام می شود، این بدین معنا است که خداوند تعالی هیچ فرد یا گروهی از مسلمانان را فقط به خاطر اسلام آوردن شان، به طور رایگان یاری نمی رساند، باید به اسباب و ابزار چنگ زد تا بتوان به نصرت الهی دست یافت.

۵۵- فقه تدریج

ما پیوسته به سوی مفاهیمی از جمله پیش رفت تدریجی، پیش روی و ترقی، حکمت، حوصله مندی و انجام کارها با آرامش و پیوستگی فرامی خوانیم نه به شتاب- زدگی در کار، ناهنجاری، بی پروایی و بی باکی و انجام کارها با شتاب و به شکل وقفه دار. در حدیث شریف آمده است: *إن المنبت لا أرضا قطع ولا ظهرا أبقى / «منبت» نه زمینی پیموده و نه توانی (بر مرکوب او) باقی گذاشته است.* [مراد از

«المنبت» کسی است که وسیله سواری اش از خستگی جای گیر شده باشد و رفقاییش به دلیل حرکت و جلو افتادن از او جدا گشته باشند [(به روایت بنزاز و حاکم). در حدیث دیگری نیز چنین آمده است: أحب الأعمال أدومها وإن قل / محبوب ترین کارها در پیش خدا کاری است که دوام آن بیش تر است اگر چه اندک باشد (به روایت بخاری). و در حدیث دیگری آمده است: ولن يشاد الدين أحد إلا غلبه / هیچ کسی دین را بر خود سخت نگرفته، مگر این که دین بر وی غالب شده است (به روایت بخاری). هم چنان خوب است که این سخن حکیمانه گران سنگ را نیز یادآور شویم که می گوید: «زمان بخشی از درمان است».

۵۶- فقه مرحله گرایی

ما به مرحله گرایی و دوره بندی کارها باور داریم؛ یعنی اهداف به سطوح و درجه هایی تقسیم شوند که همه برای رسیدن به هدف اصلی و کلی است؛ به گونه ای که اولی راه دومی را هم وار می کند و دومی بر پایه اولی استوار است و به همین ترتیب دیگر اهداف.

ما باید پذیرای اهدافی باشیم که در خور توان ما بوده و با شرایط و اوضاع ما تناسب دارد. فعالیت های دعوی باید در مقابل کارهایی که از توان آن بیرون است، سکوت اختیار کند، اگر چه که درست نیز باشد، شاید این سکوت لازم باشد؛ اما هرگز جایز نیست، آشکارا بگوید که این اهداف را نمی خواهد.

۵۷- فقه گزینش

فراخوانی به اسلام وظیفه همگان بوده و تنها از مکلفیت‌های دانش‌جویان رشته شرعیات نیست، اگر چه که مسئولیت این گروه بسی بزرگ‌تر از دیگران است. البته قابل یادآوری است که اسلام در صدد فراآوری همگان از جمله ترسو و دلیر، بخیل و سخاوت‌مند، کودن و هوشیار و غیره می‌باشد؛ اما فعالیت‌های دعوی به خاطر بزرگی، اهمیت و جدیت آن نیاز به ذخایر پربار مروت و سخاوت‌مندی، دلاوری و صبر، اراده و مردانگی و انصاف و فداکاری دارد، بناء شایسته این است که بر اصحاب این ذخایر تمرکز داشته، داشته‌های آن را استخراج کرده و در دست‌رس دیگران قرار دهیم، چون آن‌ها در واقع زینتی‌اند در گاه آسودگی و توشه‌ی‌ی‌اند در گاه سختی و دعوت در اصل بر پایه چنین افرادی تأسیس می‌شود.

این سخن به معنی این نیست که ایشان از اشتباه و کاستی پاک‌اند؛ هر انسانی بهره‌ی از اشتباه و کاستی دارد، اما هدف این است که ایشان در کل ذخایر گران‌بهای اند که اگر اشتباهی مرتکب شوند به راه درست برمی‌گردند، عام را بر خاص، جوهر و ماهیت را بر شکل و ظاهر و حقیقت را بر صورت ترجیح می‌دهند و با وجود دشواری‌ها و خطرهای مسیر شان بر اصول خویش پای‌بند‌اند، تا زمانی که با آن به دیدار الله تعالی نائل آیند.

هر چه قدر این ذخایر گران‌بها در فعالیت‌های دعوی افزایش و غیر ایشان کاهش یابد، این امر از نشانه‌های موفقیت بوده و برعکس آن هم چنین است.

پیامبر/ در روزگار ناتوانی دعوت اسلامی در مکّه مکرمه دعا کردند که خداوند تعالی اسلام را با یکی از دو عمر عزت بخشد، چون می‌دانستند که ایشان از

جمله ذخایر گران عرب اند، دعای پیامبر/ در باره صحابه نخبه عمر بن خطاب^۶ اجابت شد و هر آن چه در توان او بود در یاری رساندن به اسلام دریغ نورزید. بنابراین فعالیت های اسلامی باید در انتخاب اعضا و افراد خود بیش از همه بر ذخایر گران بها تمرکز داشته و در پهلوی آن برای همه افراد نیز آغوش بازی داشته باشد، پیامبر^۷ می فرماید: الناس معادن كمعادن الذهب والفضة، خيارهم فی الجاهلیة خيارهم فی الإسلام إذا فقهوا. / مردم ذخایر گران بهایی بسان ذخایر طلا و نقره اند، برترین شان در جاهلیت برترین شان در اسلام اند آن گاه که در کار دین فرزانه شوند و آگاهی یابند» (به روایت مسلم).

۵۸- فقه تعامل با فتنه ها

هر چند از گاهی فتنه ها، مشکلات و شبهاتی از جمله گستاخی و جسارت در مقابل خداوند، بی احترامی در مقابل پیامبر/، تجاوز بر حقوق مسلمانان مهاجر، بی - احترامی به یکی از مقدسات مسلمانان یا تمسخر اصول و اساسات امت اسلامی و غیره در مقابل مسلمانان قد علم می کند.

انگیزه هایی که در پس این شبهات نهفته است متفاوت می باشد، از جمله تنفر، تجاوز از حد، نادانی، شهرت طلبی، از بین بردن و استهلاک تلاش های افراد مخلص و وفادار این امت و بازداشتن شان از میدان هایی که تلاش های شان باید به سوی آن جهت داده شود.

عقلانیت دعوت باید توانایی جداسازی و بررسی این فتنه ها و برخورد مناسب با آن را با توجه به انگیزه ها، مصلحت ها و برآیندهای کار داشته باشد، در نتیجه بنابر صلاح دید، در مقابل برخی از آن ها سکوت اختیاری می کند، برخی دیگر را با

رسواسازی آن رد کرده، اما آن‌ها را نشان‌مند نمی‌سازد و در مقابل برخی دیگر ایستادگی کرده و آن‌ها را مشخصاً نشان‌مند می‌کند، البته وقتی در مقابل این فتنه‌ها ایستادگی می‌کند باید با استفاده از منطق دعوت با کمال دقت عمل کرده و به طور حساب‌شده گام بردارد، به نوعی که از حد نگذرد؛ چون در صورتی که از حد گذشت در واقع تلاش‌های خود را به باد داده و در پرت گاهی می‌افتد که افرادِ شرور خواهان آن‌اند و تلاش‌های آن را به خود مصروف کرده، در خود می‌بلعد و استهلاکش می‌کند، به این ترتیب این افراد شرور شادمان شده و آمادگی ایجاد فتنه‌های تازه‌یی را می‌گیرند که بازی شان با آن‌ها همان‌طور که خود می‌خواهند، همچنان ادامه یابد.

محور ششم

قضایای سیستماتیک و روش مند

۵۹- اسلام و فعالیت‌های دعوی

ما باید در بین دین اسلام و فعالیت‌های دعوی فرق قایل شویم؛ اسلام دینی است راستین، باقی و جاودان که از جانب الله تعالی بوده و باطل از هیچ جهتی در آن راه ورود ندارد، و فعالیت‌های دعوی تلاشی است بشری که درستی و نادرستی در آن امری است پذیرفته شده.

دین الله تعالی مقدس است؛ اما کار و فعالیت برای این دین نامقدس، قداست اسلام شامل فعالیت‌های اسلامی نشده و باعث عصمت و معصومیت آن نمی‌شود، و در عین حال اشتباهات و مشکلات فعالیت‌های اسلامی بر اسلام حمل نشده و مایه نقص و کاستی آن نمی‌شود.

۶۰- روش و برنامه به‌تر

روش به‌تر در دعوت این است که نخست حقایق و روش‌های اسلام با تمام دقت و آشکارانگی، به‌طور همه‌جانبه شناسانده شود، این امر انگیزه بیش‌تری برای نهادینه شدن اسلام در عقل و ناخودآگاه گیرنده داده و امید بیش‌تری برای قبول آن از جانب گیرنده می‌رود؛ بناء ما باید در آغاز کار از بیان شبهات و رد آن‌ها، از سخن گفتن در باره فرقه‌ها، اندیشه‌ها و اجتهادات مختلفی که مطابق یا مقابل این فعالیت‌های دعوی است کنار گذاشیم، و هر زمانی که ضرورت ایجاب چنین کاری کند، با کم‌ترین حد ممکن به آن توجه شده و به اصل برنامه خللی وارد نسازد.

۶۱- دعوت عمومی

در عرصه دعوت مردم عام باید حقایق و اساسات مسلم دعوت برای شان ارائه شده و اختلافات فقهی، روایات نادر، تأویلات دور از ذهن، تقسیمات و چند شاخگی های بسیار و پیش فرض های احتمالی و غیر احتمالی کنار گذاشته شود؛ این موضوعات جای گاه و افراد خاص خود را دارد که در صورت نیاز با استفاده از اصول و ضوابط دقیقی، در باره آن بحث و گفت و گو می کنند؛ اما مردم عامه و نوجوانان باید به امور عملی و مفید مشغول شوند.

۶۲- سرچشمه و مصدر همان اصول قرآنی است

اصول و اساسات قرآنی یگانه مرجع و مصدر بلندپایه جامعه اسلامی است، این مصدر باید از جمله امور ثابتی باشد که به هیچ وجه دست اندازی به آن نرسد، اما جامعه اسلامی می تواند از نامسلمان ها نیز امور مفید را اقتباس کند، به شرطی که علمای برگزیده و قابل اعتماد مسلمانان آن را تأیید کنند. دستورات و تعلیمات شرعی باید بر دستورات سازمانی مقدم قرار داده شوند؛ چون دستورات شرعی اصل و دستورات سازمانی فرع اند، و باز چون دستورات سازمانی وسیله یی است خدمت گزار و دستورات شرعی هدفی است که به آن خدمت می شود.

۶۳- آغاز از آن جایی که آن ها دست کشیدند

ما پیوسته دیگران را فرامی خوانیم تا فعالیت های شان را بر پایه تجارب دیگران نهادینه سازند؛ یک سازمان، مرکز، مکتب و یا دعوت گر از هیچ، شروع به کار

نمی‌کند، چون نه نخستین کس است که برای خدمت به دین خدا عرض وجود نموده و نه آخرین کسی که برای برآورده شدن این هدف بزرگ دست به کار شده است.

۶۴- نوشته‌های واضح و آشکار

نوشته‌های دعوی ما باید با آشکارانگی تمام، به شکل حساب‌شده و دقیق باشد؛ به نوعی که یک معنی را افاده کرده و همان معنی از نویسنده به خواننده انتقال داده شود؛ در نتیجه دو خواننده از یک متن یک برداشت داشته باشند. این امر دو فائده مهم دارد: نخست توحید فکری و رفتاری اعضا و افراد دعوت، دوم خاتمه دادن هرج و مرج‌ها و آشوب‌ها در صف اعضای دعوت؛ به ویژه نوپایان در این حرکت، و هم‌چنان باعث جلوگیری از تأویل‌ها و برداشت‌های نادرستی می‌شود که با خود سخنانی مشکوک و غبارآلود را حمل می‌کنند که در نتیجه منجر به اجتهادات تناقض‌نما، افراط و تفریط، بروز فتنه‌ها و پارچه‌پارچه شدن امت می‌شود.

۶۵- اصطلاحاتی دقیق

ما باید برای خود اصطلاحات ویژه خود مان را داشته باشیم و تا حد امکان این اصطلاحات برگرفته از قرآن باشد، و این که این‌ها دقیق، آشکار و مستقل بوده و با کمال دقت و بخردانگی گزینش شده باشد. ما باید به دنبال گرایش‌های فکری‌یی که هر چند از گاهی رواج می‌یابد، نبوده و آن‌گاه که بازار جامعه‌گرایی (سوسیالیزم) گرم است، اسلام را آیینی جامعه‌گرا (سوسیالیست) ندانیم و باز آن‌گاه که بازار

سرمایه‌داری (کپیتالیسم) گرم است آن را آیینی سرمایه‌گزار (کپیتالیست) ندانسته و آن‌گاه که بازار دیموکراسی گرم است آن را دینی دموکرات ندانیم و

اسلام با تمام معیارها، ثوابت، خواسته‌ها و برآیندهایش همان اسلام است. حتی اگر برخی از اصول و اساسات آن با دیگر گرایش‌های فکری هم‌خوانی داشته باشد، به خاطر شمولیت و همه‌جانبه بودن این دین است نه برای این که بتوان این دین را به نام این یا آن گرایش فکری خواند؛ چون این دین اصل است و ماسوای آن فرع، و چون این آیین ثابت است و دیگر آیین‌ها تغییرپذیر، و باز چون این دین حقیقتی است خالص، به خلاف دیگر اندیشه‌ها که بهره‌ی متفاوت از این خلوص و صفا دارند.

این چیزی است که ما را بر آن می‌دارد تا از این اصطلاحات که هر چند از گاهی در بین جامعه رواج می‌یابد، دوری بگزینیم؛ چون این‌ها در ظاهر خوب اند؛ اما در واقع گم‌راهی محض اند و برای همین برخی از دعوت‌گران از روی نادانی یا هم‌دستی و یک‌صدایی با دیگران فریب این اصطلاحات را می‌خورند.

۶۶- افزایش حس خطر

مسلمانان از هنگام ظهور خویش تا کنون امتی هدف‌مند اند؛ چون دارای یک رسالت و دعوت می‌باشند و برای همین پیوسته از طرف دشمنان با خطرات مختلفی تهدید می‌شوند؛ چون بیش‌ترین شان حق را ناخوش می‌دارند، بناء ما باید احساس این خطر را در فرزندان مسلمان زنده نگه داشته و رشد بدهیم، این کاری است که آن‌ها را به هم‌دگر نزدیک کرده و اختلاف را از میان شان برمی‌اندازد. گذشته از این هم هدف این پروپاگندها همه افراد بوده و همگی را تهدید می‌کند، بناء ناآگاهی از این خطر آن‌ها را قوی‌تر می‌سازد. خطر را دو نوع اند، خطرهای خارجی که از

طرف دیگران حمل می شود و خطرهای داخلی که از درون صف و حرکت می خیزد، و چنانچه تاریخ به ما درس می دهد، خطرهای درونی بسی خطرناکتر، قوی تر و تأثیر گذارتر از خطرهای برونی است.

۶۷- با همی اخلاص و درستی در کار

اخلاص در اسلام جای گاه والایی را از آن خود کرده است؛ چون روح کارها و شرط قبولیت آن ها همین اخلاص است، کاری که در آن اخلاص نباشد طبیعتاً بی هوده است؛ اما اخلاص به تنهایی کافی نیست، بناء گاهی کارها مخلصانه است ولی درست نیست.

برای همین، هم باید به اخلاص فراخوانیم و هم به درستی در کار؛ چون این دو با هم راه پیروزی را هم وار می کنند.

بنابر همین امر اکثر دعوت گران باید ارزش درستی در کار را بدانند و به همان میزانی که به اخلاص فرامی خوانند، به درستی در کارها نیز فراخوانند؛ به دو دلیل: نخست به خاطر ارزش درستی در کارها و این که هم زاد پیروزی، شرط و بخشی از آن است. دوم به این دلیل که بیشترین کسانی که در زمینه فعالیت های اسلامی مشغول کار اند غالباً با نیت خیر کار می کنند؛ اما در زمینه فراخوانی و جلب تدریجی آن ها، رخنه و نفوذ در میان شان، فریب دادن و دردسر آفریدن برای آن ها احساس خطر می شود.

گاهی اوقات تلاش های شان را به جایی هدر می دهند که می شد در جای بهتری صرف شود و گاهی نیز در راستایی تلاش می کنند که نیازی به آن نبوده است، گاهی دیگر نیز تلاش و جان فدایی آن ها در جای نامناسب و نادرستی است و ایشان در واقع

آتش گیره دگرگونی‌هایی می‌شوند که ایشان خود نخستین قربانی‌های آن اند، به نوعی که شرایط تازه‌یی که پس از دگرگونی‌ها نیز به وجود آمده بسی بدتر از شرایط پیشین است.

۶۸- شور و هیجان ضابطه‌محور

شور و هیجان در واقع خیر و برکت است؛ چون باعث زنده شدن روحیه تصمیم‌گیری قوی، کارآیی، تلاش، کوشش، رقابت، جان‌فدایی، نوآوری و دیگر ویژگی‌های پسندیده که فعالیت‌های دعوی را به جلو سوق می‌دهد، می‌شود. به هر اندازه که این روحیه قوی باشد به همان اندازه فعالیت‌های دعوی رشد می‌کند و به هر اندازه که این روحیه ضعیف باشد، باز به همان اندازه این فعالیت‌ها تضعیف می‌شود، برای همین است که دعوت‌گران شعله‌های شور و هیجان را همیشه روشن نگاه می‌دارند و چه کار نیکی هم می‌کند!

اما در این میان دو امر مهم را باید رعایت کرد:

نخست: این که میزان این شور و هیجان باید دقیقاً حساب شده باشد، چون بسان دوايي است که داکتر برای مریض خود تجویز می‌نماید؛ برایش یک اندازه مشخصی را تعیین می‌کند که نباید کم‌تر یا بیش‌تر از آن استفاده شود، زیرا افزایش این میزان -به ویژه در نزد جوانان- باعث ایجاد و تولید چارچ‌های عصیت و حساسیت شده و چه بسا که به روش نادرستی خود را بروز دهد.

دوم این که دعوت‌گر حکیم باید برای هم‌راهان خود زمینه‌های مفیدی را فراهم کند که عملاً بارهای حماسی و شورانگیز خود را در آن خالی کنند؛ در نتیجه احساس مفیدبودن به ایشان دست داده و از زیر بار سرزنش وجدان خویش که در صورت انجام ندادن آن کار بر ایشان فائق می‌آمد، نجات یابند و به این ترتیب شادمان شده و

آرامش یابند، در عین حال مردم نیز از فعالیت‌ها و کارهای شان سود برده و سعادت-مند شوند.

۶۹- دلیری و بی‌باکی در انجام کار

دلاوری یکی از ویژگی‌های مهمی است که دعوت‌گران باید بدان آراسته باشند؛ چون از مهم‌ترین توشه‌های آن‌ها در راه دعوت است، به طور طبیعی آراسته شدن فعالیت‌های دعوی به دلیری و شجاعت منجر به پیروزی آن می‌شود، و به محض از بین رفتن این ویژگی در فعالیت‌های دعوی منجر به ناکامی و رسوایی آن خواهد شد؛ اما این دلیری باید هم‌زمان با تأمل و تفکر، درنگ و بررسی دقیق آن موقف باشد؛ تا دلیری در عین این که نوعی جسارت است حکمت نیز باشد و گر نه نوعی بی‌احتیاطی است.

۷۰- دلیری و بی‌باکی در فروگذاری کار

اقدام به انجام یک کار در صورت لزوم دید واجب است و همان‌طور هر جا ضرور باشد فرو گذاشتن یک کار نیز لازم است، حق تصمیم‌گیری برای انجام یا فرو گذاشتن یک کار تنها از یک مرجع معتبر ساخته است، یکی از ویژگی‌های آن مرجع دلاوری ستوده‌شده و پسندیده فرد در هر دو حالت است، اما جسارت دعوت‌گر در فروگذاری کار، جدی‌تر و دشوارتر از جسارت در اقدام به انجام کار می‌باشد؛ چون کسی که در انجام کاری دلیری می‌کند مردم برایش دست می‌زنند و بزرگش می‌پندارند و در مقابل، کسی که کاری را فرومی‌گذارد مردم نسبت به او

اظهار دل‌تنگی می‌کنند، چه بسا که دشنامش دهند و او را متهم کنند؛ اما دوراندیشی وی او را از جوش و خروش در مقابل آن‌ها بازمی‌دارد.

صحابی نخبه و بزرگ خالد بن ولید^۱ در غزوۀ موته شجاعت خود را در فروگذاری نشان داد، به نوعی که اقدام به انجام کار را در واقع به هلاکت انداختن هم‌راهان خود دانسته و عقب‌نشینی کرده، به مدینه باز گشت، او از دلاوران و آزموده‌شده‌گان صحابه بود، در آن روز کودکان مدینه عقب‌نشینان را به «پای-گریزان» توصیف کردند؛ اما پیامبر بزرگ٪ ایشان را ستود و به صفت «باربار حمله-بران» توصیف‌شان کرد.

بنابراین در این مقام، شجاعت در فروگذاری درست می‌نمود؛ برای همین خالد به آن پناه برد، و در مقابل شجاعت در اقدام عمل اشتباه می‌نمود و خالد از آن دوری گزید.

۷۱- آرامشی مطلوب

ما پیوسته از شور و هیجان به حکمت‌اندیشی فرامی‌خوانیم، از آشوب‌انگیزی به تأمل و آرامش فرامی‌خوانیم و از سهل‌انگاری در امور زندگی به مهارت در شناخت آن‌ها، یافتن راه‌های درمان و مشارکت در آبادانی آن دعوت می‌دهیم.

۷۲- اعتباردهی به مسمی نه اسم

اگر بالفرض روزی نیاز افتد که یکی از اسم‌ها را تغییر داد؛ دعوت‌گران باید این کار را بکنند، البته در صورتی که اسم جای‌گزین شده هرگز به حقیقت معنی و مسمی خود لطمه‌یی نزند.

میثاق شرف در دعوت * ۱۰۱

در فتوحات نخستین اسلام قبیله تغلب که از اهل نصاری بودند، حکم اسلام را پذیرفتند، اما پرداختن جزیه را ناپسند داشته و خبر دادند که به جای جزیه صدقه می‌پردازند؛ چون ایشان در اسم اول نوعی اهانت و ذلت را می‌دیدند، خلیفه بزرگ عمر بن خطاب^۱ نیز درخواست شان را پذیرفت؛ چون اصحاب کرام به معنی توجه داشته و اسم برای شان اهمیتی نداشت. این یکی از نمونه‌های بی‌شمار از نبوغ وی است.

۷۳- جوامع مسلمان ما؛ اما

جوامع ما اسلامی است نه جاهلی، اگر کوتاهی یا تطبیق نابجای احکام، بدعت‌ها و گم‌رهی‌هایی در آن دیده می‌شود، به ما اجازه نمی‌دهد که آن را جاهلی بخوانیم؛ اما ممکن است اموری را که در آن جریان دارد جاهلی بخوانیم؛ آن هم جاهلیتی جزئی. پیامبر٪ به سیدنا ابوذر گفتند که در وی چیزی از جاهلیت است، آن گاه که بر بلال خورده گرفت و برایش گفت: «ای فرزند سیاه». پیامبر٪ از روی ادب و احترام خویش به ابوذر نگفت که تو شخصی از جاهلیت ای، بلکه به جای آن عبارتی را استفاده کردند که نشان‌دهنده این است که در او چیزی از ته‌مانده جاهلیت باقی مانده است، ابوذر به زودی آن ته‌مانده را دریافت و خود را از آن رهایی بخشید و از بلال عذرخواهی کرد؛ بنابراین وجود ته‌مانده‌یی از جاهلیت او را از دایره اسلام بیرون نکرد. شرایط جامعه امروزی مانیز چنین است؛ در آن چیزهایی است که می‌توان آن‌ها را به صفت جاهلیت توصیف کرد، که از نگاه درجه و نوع خود در شرایط مختلف، زمان و مکان مختلف، متفاوت است؛ اما این جوامع هنوز اسلامی است، دعوت‌گران باید آن موارد را گوش‌زد کرده و برای نجات یافتن جامعه از آن، کار کنند و به صراحت ابراز دارند که اسلامیت جامعه جز با این امر کمال نمی‌یابد.

۷۴- تازه راه یافتگان

مسلمان به طور طبیعی با راه یافتن هر فرد تازه‌مسلمانی به اسلام، شادمان می‌شود اما این شادمانی گاهی از حد خود پای فراتر گذاشته و ما را در اشتباهاتی می‌اندازد که ممکن است از آن خلاصی یابیم. برای این که مصلحت خود و هدایت‌شدگان تازه‌نفس را در نظر گرفته و از اشتباهات احتمالی نجات یابیم باید از نیت تازه‌هدایت‌یافته‌گان، عقلانیت، پای داری و حکمت شان مطمئن شده، سپس به آرامی او را یاری رسانیم تا از ژرفای اسلام از نگاه فهم، نیت و رفتار آگاهی یافته و به طور طبیعی، به آرامی رشد کند، اما اگر در بزرگداشت کسی که مسلمان می‌شود -از نگاه مادی و ادبی- زیاده‌روی کنیم، او را تبدیل به اجیر مفت خوری می‌کنیم و یا به انسان مغروری که با خود تصور می‌کند که استاد ما بوده و ما باید از او یاد بگیریم نه این که او از ما بیاموزد.

۷۵- پیروزی‌ها و شکست‌ها

در تاریخ اسلام افتخاراتی است که حس عزت و شکوه را در ما زنده می‌کند، در لابه‌لای فعالیت‌های اسلامی نیز افتخاراتی است که هم‌چنان عزت را در ما برمی‌انگیزد، این افتخارات اگر به روحیه عملی تبدیل شود، نوعی بار مثبت شده که در آینده تقلید و پیروی از آن را ممکن می‌سازد، اما اگر در آن روحیه ناتوانی دیده شده و تنها به ستودن و فخر کردن به آن بسنده شود، این‌ها تبدیل به بار منفی‌یی در افراد می‌شود. همان گونه در اشتباهات و کاستی‌های موجود در تاریخ اسلام و فعالیت‌های اسلامی نیز همین جریان وجود دارد؛ یعنی اگر در نقایص موجود به دید عبرت نگریسته و با روحیه عملی سازنده‌یی به سوی آینده حرکت کنیم، تبدیل به بار مثبت می‌شوند؛ همان گونه که اگر در مقابل آن درنگ کرده و به گریه و زاره، ملامت کردن و نکوهش خود بسنده کنیم، این کاستی‌ها تبدیل به بار منفی و مضر می‌خواهد شد.

۷۶- احادیث مربوط به فتنه‌ها و هرج و مرج‌ها

اسلام دینی است که در پناه حمایت خداوند بوده و به اراده او یاری داده می‌شود، آینده در قلمرو او است، هرچند که دشمنانش ناپسند دارند، این سخن را با زبان گویای کتاب حکیم، احادیث گهربار، مژده‌های کنونی و پیش‌بینی‌های آینده می‌شنویم و شاهد آن ایم.

دعوت‌گران باید اعتماد کاملی به این آرزوها و خواسته‌ها داشته باشند؛ چون اولاً این آرزویی است درست و واقعی و در ثانی این اعتماد می‌تواند دست‌کمکی برای ادامه تلاش‌ها و رسیدن شان به پیروزی باشد.

قابل یادآوری است که بیش‌ترین احادیث مربوط به فتنه‌ها و هرج و مرج‌ها ضعیف است، همان موارد صحیح این احادیث نیز که دلالت بر این دارد که حال و اوضاع این امت پیوسته از بد به بدتر می‌رود؛ ویژگی زمانی، مکانی و شخصی خاص خود را داشته و مانع باور یقینی به همگانی بودن آن می‌شود، بناء عمومیت بخشیدن مفهوم آن اشتباهی فاحش است؛ چون این برداشت نادرست با متون شرعی قوی، صریح و عامی که وعده پیروزی می‌دهد مخالفت داشته و هم‌چنان به سنت الهی در آفرینش وی، حوادث تاریخی گذشته و کنونی و عدالت خداوندی هم‌خوانی ندارد، این کار از خداوند بعید است که کار و کوشش برای یاری رساندن به دین خویش را به عهده مردم بگذارد و به ایشان وعده پیروزی بدهد، اما ایشان چنین احساس کنند که به ناچار شکست می‌خورند. وقتی ما به این باور هستیم که یک امر جزئی در پرتو یک امر کلی و یا یک امر فرضی و خیالی در پرتو یک امر قطعی و ثابت قابل شناخت است، پس باید احادیث مربوط به فتنه‌ها و هرج و مرج‌ها را با وجود همان میزان صحیح آن کنار بگذاریم، و یقین داشته باشیم که دین الله تعالی به امر خودش یاری داده می‌شود.

۷۷- آینده در قلمرو اسلام

اسلام دینی است که یاری داده می‌شود، چون این آخرین رسالت خداوند تعالی بر مردمان می‌باشد و او وعده پیروزی این دین را بر تمام ادیان داده است. درست است که امت اسلامی هر چند از گاهی دچار ضعف و سستی می‌شود، اما با عقیده انگیزه‌بخش آن، سرزمین وسیع، موقعیت‌های استراتژیک و سرمایه‌های بزرگ و گوناگونی که در دست دارد و رشد پویای جمعیت آن، بر ضعف خویش غالب شده و ره‌بری را دوباره به دست می‌گیرد، تاریخ درازدامن این امت به‌ترین گواه آن است، اگر مشکلات و مصیبت‌هایی که به این امت رسیده به امتی دیگر می‌رسید، تا کنون به کلی منقرض می‌شد.

دعوت گران باید پیوسته این مفهوم را به عنوان یک بشارت در ذهن پروراند؛ چون یأس و ناامیدی را از بین می‌برد و امید و آرزو را در دل غرس می‌کند، به کار و کوشش تشویق می‌کند، به علاوه، این مژده باید با انگیزه دادن به کار و کوشش لازم، همراه باشد؛ چون خداوند سنت‌ها و قواعد کلی خود را دارد و آن عبارت از این است که پیروزی برای کسانی که به انتظارش نشسته‌اند و حرکتی برای رسیدن به آن نمی‌کنند، به طور رایگان بخشیده نمی‌شود.

محور هفتم

اهداف، ابزار و سایل

۷۸- اهداف و وسایل

اهداف اساسی ثابت است و اهداف فرعی دوره‌بندی و اولویت‌بندی شده است، وسایل رسیدن به هدف باید جدید، انعطاف‌پذیر و پیش‌رفته باشد و پیوسته در آن تغییر و تبدیل و دگرگونی صورت گرفته و از تجارب مسلمانان و نامسلمانان اقتباس شود، چون حکمت گم‌شده مؤمن است. باید به یاد داشته باشیم که هر وسیله دعوی‌یی که به کار می‌بندیم باید دو قاعده اساسی در آن رعایت شود، نخست این که نیاز واقعی به استفاده از آن وسیله احساس شود، دوم این که بعد از استفاده از وسیله برآیندهای خوب آن بیش از برآیندهای بد آن باشد، اگر نه استفاده از آن وسیله درست نیست. هم‌چنان برای مان لازم است که در برنامه‌های مان، اهداف همیشه اهداف بمانند و وسایل وسایل، چون اگر اهداف جای خود را به وسیله و وسیله جای خود را به اهداف بدهد؛ خطر بزرگی ما را تهدید خواهد کرد. این کاری است که تا کنون بارها در تاریخ و فرهنگ مان اتفاق افتاده است.

۷۹- توجه به افراد نخبه و برجسته

ما به این باور رسیدیم که تمرکز مان باید بر دانش‌جویان نخبه و با استعداد باشد؛ این افراد همان علم‌برداران و پیش‌گامان نوآوری، دگرگونی و اندیشیدن در عرضه جای‌گزین‌های مفید و اقدامات آینده‌اند.

۸۰- فن سخن‌رانی و ادبیات آن

ما پیوسته به آموزش و فراگیری ادبیات و فن سخن‌رانی فرامی‌خوانیم؛ چون سخن‌رانی از مهم‌ترین وسایل یک دعوت موفق است، و سخن‌ران موفق نیز بسان

وکیل مدافعی است که پیروزمندانه از قضایای دعوت دفاع می کند و بر عکس نیز همان طور است.

۸۱- زمانی که مفضول اولی است

انتخاب های فقهی و دعوی در نزد مردم متفاوت است، این تفاوت در گزینش برخاسته از شرایط، اوضاع، فهم و سطح علمی متفاوت شان می باشد، تحمیل کردن اندیشه و انتخاب خود بر دیگران، از طرف هیچ کسی حکیمانه نیست، اگر چه شخص فکر کند که اندیشه او درست و برتر است. اگر بر اندیشه درست گردآیم بسی به تر از این است که بر سر درست تر اختلاف کنیم و اگر هم دیگر را بر مفضول یاری کنیم بسی به تر از این است که بر سر افضل به کشمکش پردازیم.

۸۲- شادی و نشاط مطلوب

شادمانی و نشاط -در حد مباح خود- از مهم ترین اموری است که ارتباط نوجوانان تازه کار را به گروه و جماعت شان استوار نگه می دارد؛ چون این امر آنها را نسبت به گروه شان غیرت مندتر و وفادارتر کرده و ایشان را به افکار جماعت شان مجذوب تر می گرداند؛ بنابراین ما به چنین فعالیت های شادمانه و تجلیل از آن در مناسبت های مختلف فرامی خوانیم، از آن جمله در عیدها و شروع سال تعلیمی و پایان آن، خوب است برای چنین مناسبت ها جشن هایی برپا شود، سرودها، مسابقات و فعالیت های ورزشی در آن جای داده شده و هدیه ها و جوایزی تقدیم شود و

۸۳- نه برای بگومگو

خداوند تعالی می‌فرماید: {ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ/ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌یی] که نیکوتر است مجادله نمای} [النحل: ۱۲۵]. {وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ/ و شما مسلمانان با اهل کتاب جز به نیکوترین طریق بحث و مجادله نکنید مگر با ستم‌کاران از آن‌ها} [العنکبوت: ۴۶].

ما پیوسته به بستن دروازه قیل و قال‌های نظری، مناقشات فرضی، سخنان نادر، اجتهادات متروک، احتمالات خیالی و ظنی و مباحثات بی‌اثر فرامی‌خوانیم؛ چون این امر در واقع ضیاع وقت، تلاش و مال بوده و فرار از مسؤولیت‌های راستینی پنداشته می‌شود که باید ادا شود، همان‌گونه که -غالباً- منجر به ایجاد نفرت و کینه‌توزی می‌شود. اما اگر چاره‌یی نباشد؛ باید در مذاکرات و مباحثات خود بنابر هدایت قرآن کریم، به شیوه‌یی که نیکوتر است، چنگ زنیم.

۸۴- اهمیت زبان عربی

زبان ظرف و قالب دانش و شناخت و نخستین قالب فرهنگ اسلامی است. برای همین منطق و عقلانیت عربی به طور کل نسبت به منطق و عقلانیت مسلمان غیر عربی، درک درست‌تری از متون شرعی دارد، زبان عربی بسان دیگر زبان‌های زنده دنیا است؛ اما امتیاز آن از دیگر زبان‌ها در این است که خداوند تعالی آن را برای کتاب بزرگ خود برگزید، خداوند تعالی خود دانا است که رسالت خود را به کجا قرار دهد، در چه زمانی، چه مکانی، به کدام شخص و به چه زبانی پیام خویش را

فروفرستد، بناء عربی زبان سنت پاک پیامبر^۷ و زبان بیش‌ترین میراث امت اسلامی نیز می‌باشد. پی‌گیری و بررسی دقیق تاریخ اسلام بیان‌گر این است که هر جایی که اسلام هم‌زمان با زبان عربی انتشار یافته، درک اساسات اسلامی و دوام و پای‌داری آن بیش‌تر بوده است تا این‌که نیروی سیاسی خود را از دست داده و رو به ضعف رفته است. بنابراین ما باید در راستای نشر زبان عربی در جهان و به ویژه در کشورهای اسلامی غیر عربی، تا اندازه‌ای توان خود تلاش کنیم.

۸۵- با هم بودن وسیله و هدف

هدف نهایی فعالیت‌های اسلامی اعلای کلمه الله و راه‌نمایی مردم است، این هدف شریف و والا وسایل شرافت‌مندانه‌یی نیز می‌طلبد، فقط وسایل شرافت‌مندانه را؛ نه غیر آن، توجه به این امر ما را از این سخن سیاسی مشهور که منسوب به سیاست‌مدار مشهور ایتالیایی (ماکیاولی) است، برحذر می‌دارد: «هدف وسیله را توجیه می‌کند»، مراد از این سخن این است که شریف بودن هدف بد بودن وسیله‌یی را که برای رسیدن به هدف استفاده می‌کنیم، توجیه می‌کند، این سخن به هر شکلی، با اجمال و تفصیل در اسلام مردود دانسته می‌شود؛ اما با تأسف در میان مسلمانان شیوع یافته و در نزد برخی از ایشان مورد پذیرش واقع شده است، این کار بدی و شر محض است و اما بدتر از آن این است که این مقوله در میان برخی از عناصری که کارشان به حساب فعالیت‌های دعوی نوشته می‌شود، نیز مقبولیت یافته و به انجام رسیده است، در نهایت سرانجام آن بروز یک یا چند مصیبت و فاجعه است، فعالیت‌های دعوی باید این مقوله را در رفتار و گفتار خود کاملاً تحریم نموده و به طور کل از شر کسانی که به انجام عملی آن مبادرت ورزیده اند، نیز خلاصی یابند و احتیاط لازم را برای جلوگیری از نفوذ چنین افرادی در صف دعوت، بکنند.

محور هشتم

هشدارهای روش مند

۸۶- رسالت نه پیشه

اگر فعالیت‌های دعوی از یک رسالت به یک پیشه و حرفه تبدیل شود -چه بسا که چنین می‌شود- ماده بر جوهر، ناکارایی بر کار آیی، خودخواهی بر دیگرخواهی، انسان‌های گرافه‌گو و بی‌منطق بر انسان‌های منطقی و منافقان بر راست‌گویان غلبه می‌کنند، این‌ها همه بلاهایی اند که بر سر فعالیت‌های دعوی به درجه‌های متفاوتی می‌آیند؛ اما زمانی این اتفاق می‌افتد که فعالیت‌های دعوی از یک رسالت به یک حرفه تبدیل شود، و به این ترتیب مسلمانان را در فعالیت‌های دعوی بی‌رغبت کرده و علیه خود، به دست دشمنانش سلاح قوی‌یی می‌دهد.

۸۷- مرجع رهبری واحد

از این که فعالیت‌ها و نهادهای دعوی دو مرجع رهبری داشته باشد، کاملاً باید برحذر بود؛ یعنی نوعی دوگانگی در رهبریت وجود داشته باشد و به گونه‌یی باشد که یک مرجع آشکارا بوده و نقش آن فقط ظاهری باشد و صرف نمای بیرونی را شکل می‌دهد، و مرجع دوم پنهانی بوده، نقش آن واقعی است و با این نمای بیرونی هر کاری را که بخواهد انجام می‌دهد، مرجع ظاهری فقط نما و سیما است و پنهانی فعل و عمل. همان مرجع پنهانی -به تنهایی خود- به خواست و اراده خودش تصمیم می‌گیرد و بر مرجع ظاهری تحمیل کرده و یا او را در چنان موقعی قرار می‌دهد که باید به همان تصمیم وی سر خم کند. این کار در واقع دروغی آشکار و بهتانی است که با اصول و اساسات فعالیت‌های دعوی؛ به ویژه اصل شوری، صریحاً مخالفت داشته و به یک عمل نامشروع، صفت مشروعی می‌بخشد، حتی در واقع نوعی

دیکتاتوری است؛ یعنی در چنین روش‌های ناپسندی به طور طبیعی مرجع پنهانی و پوشیده به مرجع ظاهری با دیده تحقیر و فرودستی نگاه می‌کند و در مقابل مرجع ظاهری، مرجع پنهانی را با دید کینه‌توازنه و کمین‌گیری فراچشم داشته و آن را در مقابل یاران خود ناتوان و شکست‌خورده جلوه می‌دهد، این همه باعث پیدایش دشمنی و کینه‌توزی شده و به سوی شکست و رسوایی سوق می‌دهد، فعالیت‌های دعوی در ازای چنین دوگانگی‌ی بهای بس سنگینی را خواهد پرداخت.

۸۸- نیرنگ تغییر و دگرگونی

واژه تغییر یا دگرگونی یکی از شعارهای دوست‌داشتنی در نزد همه مردم، از اهل دعوت گرفته تا دیگران می‌باشد، صرف نظر از درستی و نادرستی تغییرات، اما چیزی که باید به آن تأکید داشته باشیم این است که تغییر همیشه به جهت خیر و صلاح نیست؛ بلکه چه بسا که جای‌گزین جدید برای همه مردم و به ویژه دعوت‌گران بسی بدتر باشد، شاعری از پیشینیان چنین می‌گوید:

رُبَّ بَوْمٍ بَكَيْتُ مِنْهُ فَلَمَّا صِرْتُ فِي غَيْرِهِ بَكَيْتُ عَلَيْهِ

چه بسا روزی که از دستِ آن گریستم، آن‌گاه که در روز دیگر در آمدم بر از دست دادن آن روز نخست گریستم.

پیش از آن نیز صحابی نخبه و درست‌رأی عمرو بن عاص می‌گوید: «حاکم ستم‌گر و نادان به‌تر از فتنه‌ی است که دوام‌دار باشد». او حاکم ستم‌گر را نستوده است؛ اما با توجه به جای‌گزین آن چنین دیدگاهی داشته است، پس باید متوجه باشیم و در اشتباه نیفتیم.

۸۹- عکس العمل

ما از عکس العمل های نادرستی که برخی از مصلحان نشان می دهند هشدار می دهیم، وقتی این افراد عملی منحرفانه یا منکری را در فهم یا کنش مردم می بینند، برخورد شان در مقابل آن بیش از حد بد شده، در عکس العمل خود یا زیاده روی می کنند و یا در زمینه مباح نیز ساحه را برای مردم تنگ می کنند.

۹۰- رفاه طلبی و زیاده روی عقلی

رفاه طلبی و زیاده روی یکی از فسادهای مالی خطرناک است که منجر به فسادهای دیگری در همه جوانب زندگی می شود؛ بنابراین اسلام با اسراف و زیاده روی پیوسته در ستیز بوده و گسترش آن در میان هر امتی هشدار است که نشانی از هلاکت آن امت با خود دارد، برای همین است که دعوت گران باید در مقابل اسراف و زیاده روی در مال ایستادگی کرده و با آن بستیزند.

اما نوع دیگری از رفاه طلبی و زیاده روی نیز هست که شاید خطرناک تر از نوع نخست بوده و باید در مقابل آن ایستادگی شود و آن عبارت از زیاده روی عقلی است که در نزد برخی از دعوت گران یا کسانی که تصور می کنند دعوت گر اند، رواج یافته است؛ مثلاً این زیاده روی را در نزد افرادی می بینیم که به مطالعه و بررسی یکی از فرقه هایی می پردازند که با وجود موافقان و مخالفان خود از میان رفته و اکنون هیچ مشکلی را برای امت اسلامی به بار نمی آورد، هم چنان در نزد کسانی می یابیم که کتاب و یا فصل طولانی یی از یک کتاب را تألیف می کند و وقتی آن را می خوانی، نمی توانی بدانی که دقیقاً چه چیزی را می خواسته برای مان بگوید، همان طور که در

نزد فردی می‌یابیم که اطلاعات زیادی را گردآوری کرده است، که یا به درد هیچ اندیشه و نظریه‌یی نمی‌خورد و یا در کل اشتباه است؛ چون هدف این فرد در حقیقت این است که خود را متمایز از خواننده نشان داده و وسعت اطلاعات خود را به رخ وی کشیده و وی را در مقابل خود فروتن بگرداند، یا این اسراف عقلی را در نزد فردی می‌بینیم که سخنی درهم پیچیده می‌نویسد که یا به خاطر این است که موضوع در نزد وی مبهم است و یا به این خاطر است که به دلیلی، جرأت آشکارا گفتن آن سخن را ندارد.

این چنین نمونه‌ها و همانند آن‌ها نوعی از اسراف و زیاده‌روی عقلی دانسته می‌شود که اگر بدتر از اسراف مادی نباشد همانند آن است، دعوت گران درست کار و وفادار باید از آن برحذر باشند چون باعث ضیاع وقت، تلاش، مال و پاداش انسان شده و نوعی فرار از مسؤولیت‌های اصلی پنداشته می‌شود، چه بسا که از یک جهتی نوعی مشغولیت، سلطه‌گرایی و استدراج باشد و نیت نیک - اگر باشد - از این برآیند تغییر نمی‌کند.

۹۱- تعصب و جانب‌داری

دعوت‌گر به طور طبیعی از وسایلی که برای کارش برگزیده است جانب‌داری می‌نماید؛ چون او این وسایل را به خاطر ویژگی‌هایی برگزیده است که آن‌ها را از دیگر وسایل برتر می‌سازد؛ اما نباید ادعای معصومیت و کمال وسایل به کار رفته در کار خویش را بنماید و در نتیجه به حق وسایل دیگران ظلم روا دارد، این همان جانب‌داری مباح، پسندیده و لازم است که اگر پافراتر از این گذاشت در پرت‌گاه تعصب نکوهیده شده می‌افتد که از نگاه اسلام حرام بوده و به نام جاهلیت توصیف شده است.

این امر تقاضا می کند که همیشه به یاد داشته باشیم که معیار برتری تقوا و عمل نیک است، چیزی که باعث کناره گیری از هر گونه عصیت جاهلی، از تعصب منطقوی گرفته تا تعصب حزبی، قبیلوی یا فرقه یی می شود.

۹۲- چیرگی و برتری جویی؛ اما

چیرگی و برتری یافتن مسلمان بر باطل صفت پسندیده یی است که نشان از چیزی دارد که دل و عقل وی بدان زنده است و آن عبارت است از توکل وی بر خدای تعالی و اعتماد راسخ وی به درستی دینی که به آن دعوت می دهد.

اما مسلمان در این مورد هر چند از گاهی دچار اشتباهی بس بزرگ می شود و آن این که برتری جویی شان بر باطل تبدیل به برتری جویی بر اشخاصی می شود که ایشان را دعوت می دهد، این تعبیر نادرست از برتری جویی فریبی است از طرف نفس انسان که در نتیجه خود را از دیگران برتر و به تر دانسته و چنین می پندارد که او باید از دیگران کناره گیرد تا قداست وی به فساد ایشان، علم وی به نادانی شان و سربلندی وی به سراشیی ایشان آلوده نگردد، اگر فرد به این حالت رسید، کوچک ترین پیوندی در میان او و دیگر دعوت گران نمی ماند؛ بلکه در واقع باری می شود بر دوش شان.

دعوت گر باید بر باطل برتری جسته و اعلان چیرگی کند نه بر افرادی که ایشان را دعوت می دهد، بلکه باید خداوند را سپاس گزار باشد که او را به خدمت ایشان مشرف نموده، این سپاس گذاری وی با نشان دادن محبت به ایشان، شکیبایی در مقابل شان و برانگیختن نهفته های خیر و نیکی در ایشان ممکن است، این گونه می توان برتری جویی را در جای مناسب و درست آن گذاشت و از شر نیرنگ زشتی که از

نیرنگ‌های نفس است نجات یافت؛ بناء برتری جویی باید از آن حق و اصول آن باشد نه از آن فرد و گروه.

۹۳- عادت نه دین و آیین

هرچند از گاهی برخی از عادت‌ها، سنت‌ها و رسم و رواج‌ها چنان سنگین می‌شوند که گویا دین یا آیین است، در حالی که هیچ وصله‌یی به دین ندارد، ما این رسم و رواج‌ها را در مراسم شادی، مراسم غم و اندوه و برخی دیگر از ارتباطات اجتماعی در میان مردم و به ویژه در میان بانوان می‌بینیم؛ بناء باید بین عادت و دین فرق قایل شویم و با عرضه کردن عادت‌ها و رواج‌ها بر دین، آن‌ها را بپذیریم یا رد کنیم؛ یعنی دین معیار پذیرش یا رد عادت‌ها و رواج‌ها باشد.

۹۴- به عقب رفتن، به روی افتادن، سستی کردن

برخی از دعوت‌گران به سوی گذشته با افتخار امت اسلامی چشم می‌دوزند، در باره آن بسیار صحبت می‌کنند، آن را توصیف و تمجید می‌کنند، خود را بدان نسبت می‌دهند، بدون این که کدام کاری -چه کوچک و چه بزرگ- که در توان آن‌ها است برای آن انجام دهند، این گونه گمان می‌کنند، با این کار حد اقل خود را از کوتاهی در مقابل دین خدا تبرئه نموده اند، پس در خود فرومی‌روند و هیچ سهم فعالی در شکل‌دهی وضعیت کنونی و آینده نمی‌گیرند.

تعداد دیگری از دعوت‌گران به وضعیت اسف‌بار کنونی این امت چشم می‌دوزند، پیوسته گلایه می‌کنند، زاره می‌زنند و این و آن را بی‌جهت ملامت می‌کنند و گناه را -به حق یا باطل- به گردن دیگران می‌اندازند؛ آن هم بدون این که کاری

میثاق شرف در دعوت * ۱۱۹

که از عهده‌شان برمی‌آید انجام دهند، به این ترتیب گمان می‌برند که مسئولیت خویش را ادا کرده‌اند، پس خود را در آغوش ناامیدی و کشمکش‌ها می‌اندازند؛ و به این ترتیب نه نقش و وظیفه‌ی خود را در زندگی ادا می‌کنند و نه رسالت هدف‌مند و خلافتی که خداوند ایشان را از میان دیگر جهانیان بدان مشرف نموده است؛ احساس می‌کنند.

گروه‌سومی نیز هستند که پیوسته به آینده می‌نگرند و کاری را انجام نمی‌دهند، بلکه منتظر امام و پیشوای مجدد، مهدی موعود، رهبر الهام‌بخش یا قهرمان نجات-بخشی‌اند که به پندار آن‌ها آمدنش خبر از حل تمامی مشکلات و تحقق یافتن همه‌آرزوها می‌دهد، بدون این که به سنت‌های حاکم در امور، قوانین بی‌طرف و کور و عادت‌های جاری در جامعه توجه داشته باشند و به این ترتیب مؤثریت‌شان در بدنه‌ی تمدن ضعیف شده و ارزش والای حاکم بر این تمدن را که همانا آبادانی است، از دست می‌دهند.

این سه گروه در واقع از ادای مسئولیتی که به عهده‌ایشان است، فرار می‌کنند و به خاطر ناتوان نشان دادن خویش، بهانه‌هایی می‌تراشند که قابل پذیرش نیست، خود را با خود فریب می‌دهند و به این ترتیب باری به دوش نهادهای دعوی و به طور کل به دوش زندگی‌اند.

مسلمان باید دعوت و دوره‌ی را که در آن زندگی می‌کند، بشناسد، بداند در چه زمینه‌یی توانایی دارد و مسئولیت خویش را -چه خورد و چه بزرگ- در این زمینه با اخلاص و احسان انجام دهد، اندک با اندک عاقبت زیاد می‌شود، همان‌طور که قطره با قطره عاقبت دریا می‌شود، آن‌گاه که خداوند از بندگان خویش در کارهای‌شان اخلاص ببیند، آن را پذیرفته و رشدش می‌دهد؛ فرقی نمی‌کند که

حجمش چه قدر باشد، امت اسلامی به این ترتیب با فعالیت‌های مخلصانه خویش به‌ترین بهره و دست‌آورد را به ارمان خواهد آورد.

۹۵- شب‌نشینی‌های بی‌جهت و هلاکت‌بار

از نیرنگ‌های دیگر نفس‌انسانی این است که برخی از دعوت‌گران در مناسبت‌های گوناگون با هم دید و بازدید می‌کنند؛ اما این دیدارهای آن‌ها شباهت بیش‌تری به شب‌نشینی‌های بی‌جهت دارد تا کارهای سودمند، با هم‌دیگر صحبت می‌کنند، این طرف و آن طرف سرک می‌کشند و بر فلانی و فلانی، این گروه و آن گروه خورده می‌گیرند، جام‌لبریز از خشم خویش را بر یک موردی خالی می‌کنند و در مقابل، در ستایش امری دیگر زیاده‌روی می‌کنند و برای آن آرزوهای بی‌شمار می‌کنند، سپس بدون این‌که دست‌آورد مفیدی داشته باشند از مجلس پراکنده می‌شوند و گمان می‌برند که به نزد پروردگار خویش معذور پنداشته می‌شوند؛ چون به اندازه‌توان خویش دین او را یاری رسانند! اما در واقع ایشان دین وی را یاری نکرده؛ بلکه هر دم، خود را با این پُرچانگی‌های شان فریب داده‌اند، تا اوقات خالی شان را پر کرده و یا غریزه سخن‌زدن را در خود اشباع کرده باشند.

این کار ایشان در واقع تسکین و آرامش دروغینی است که احساس و علاقه شان را نسبت به خدمت‌گزاری به دین فرومی‌نشاند، خود را با آن فریب می‌دهند، دیگران را نیز با آن فریب می‌دهند، به گمان خود با هم‌دیگر جام‌های خوشنودی را رد و بدل می‌کنند، در حالی‌که از وظایف حقیقی خود شانه خالی می‌کنند و بر ناتوانی، منفی‌گرایی و پُرچانگی‌های بی‌مورد خود لباس دینی بی‌می‌پوشانند که هرگز مستحق آن نیستند.

۹۶- کوتاهی جدی و فراگیر

فعالیت‌های بسیاری از مسلمانان، از جمله اعضای حرکت‌های دعوی، در بسیاری از امور دینی و دنیایی شان با کوتاهی جدی روبرو است، و این امری است که با منتی که خداوند تعالی با دادن نعمت‌هایی بزرگ بر ایشان نهاده، کاملاً در تضاد است؛ نعمت‌هایی که ایشان را شایسته رهبریت بشری نموده، ایشان را بنیان تمدن جدید گردانیده و به آن‌ها باور و عقیده درست و محرک، دارایی‌های بسیار، موقعیت استراتژی مهم و رشد نیروهای بشری روزافزون، را داده است. بناء انسان‌های بخرد این امت باید سخت به این مشکل رسیدگی کرده و مسلمانان را از دایره بی‌کاری و کوتاهی در کارها بیرون کشیده و به دایره تحرک و فعالیت در آن‌ها درآورند، مهم‌ترین چیزی که در این امر ما را یاری می‌رساند، جدیت، نوآوری، ارزیابی، رقابت، تسلط کامل در کارها، هماهنگی و برابری فرصت‌ها، کار سازمانی، تشویق نیکوکاران، محاسبه بدکاران و دوست داشتن کار و فعالیت است.

۹۷- خطرهای پنهان کاری

در اندیشه و فعالیت‌های اسلامی، باید به طور جدی از قضیه تأویل، پنهان کاری و پوشید داشتن کارها به دور بوده و این هشدار جدی را درک کنیم، با این تأکید که اسلام دین کامل و آشکاری است که همه اصول و اندیشه‌های آن در کمال آشکارانگی بوده، نه رمزی پوشیده در آن است و نه چیزی برای کمال آن بدان افزوده می‌شود.

به راستی که آشکارانگی عقاید و باورهای اسلامی یکی از نکات قوت این دین است؛ چون انسان، چیزی را که مایه عزت و سربلندی وی می شود، به وضوح بیان می کند، و مردم هم فطرتاً طرف دار افکار و اندیشه های واضح، آشکار، قابل فهم و باثبات می باشند و باز هم فطرتاً از افکار مبهم، پنهانی، تحریف شده و بی ثبات دوری می گزینند.

اشتباهاتی که از پنهان کاری سر می زند به اعضای خود بیش تر از دشمنان خود ضرر وارد می کند، همین پنهان بودن آن باعث بحرانی شدن اوضاع آن نیز می شود؛ چون در تاریکی پنهان کاری بوده و به چشم نمی آید، تا بر آن راه حلی سنجید، اما در مقابل، اشتباهاتی که در کارهای آشکار وجود دارد، قابل اصلاح و تصحیح است؛ چون در پرتو نور است و قابل دید.

۹۸- خطرهای عمومیت بخشی و کلی گویی

آفت خطرناک عمومیت بخشی در ادبیات بسیاری از دعوت گران رواج یافته است؛ به طور نمونه در این سخنان و عبارت ها: چنین گزارش شده که نیروهای غیرمسلمان فقط برای جنگ و نبرد با اسلام به هم می پیوندند، دشمنان اسلام قادر به هر کاری هستند، هر گونه فعالیت رسمی یی که به نام اسلام باشد، نوعی نیرنگ، دسیسه چینی، سلطه گرایی و آسیبی است که باید از آن آگاه بود، هر گونه فعالیت اسلامی قومی، خیر و حق محض است، نمودار امت اسلامی در این گروه در حال افزایش است و در آن گروه در حال کاهش است، دسیسه چینی در این گروه هست و در آن گروه نیست، و...، به طور کل این گونه طرز فکر فاقد انصاف و عینیت - گرایبی بوده و کمال سادگی و سطحی نگری آن را می رساند؛ چون احکامی که این

گروه صادر می کنند، احکامی کلی، شتاب زده، کاغذپیچ شده و بسته بندی کرده بی است که طرف دارانش را از جست و جو در باره جای گزین ها، راه حل و تلاش برای بهبود اوضاع راحت می کند، ایشان چنان گمان می کنند که اگر این گونه تبلی و منفی گرایی را برای شان برگزینند، گویا که معذور پنداشته می شوند؛ چون ایشان - آن چنانی که خود شان فکر می کنند، یا خیال می کنند که چنین اند و یا آرزو دارند که خود را در این حال دریابند - در برابر طوفانی از نیروهای شرور اند که در مقابل آن ها توان ایستادگی و مقاومت ندارند، حال آن که این طرز فکر با سنت الهی، در دفاع متقابل، کاملاً در تضاد است.

مسلمان باید از چنین کلی گویی های خطرناک کناره گیری کرده و چراغ عقل خود را روشن کند و شور و هیجان را در دلش برافروزد، موضوعات را به خوبی تحلیل کند، آن ها را در مقابل چشمانش قرار داده و تلاش کند تا با جدیت تمام، اسباب و مسببات و علت ها و معلول های آن را دریابد و در انتخاب راه حل ها و یا نوآوری در راه حل ها دقت کرده و در بند وهم و گمان خویش نیفتد، منطق اختیار الزامی در بین دو چیز متناقض چنین حکم می کند که یکی از دو طرف را باید گزید، سیاه یا سفید را، فرشته یا شیطان را، آسان یا ناممکن را و خوار کردن یا بزرگ داشتن را.

۹۹- دسیسه چینی

در دهه های پسین سخن از دسیسه ها بسیار است، برخی آن را پدیده بی عام و همگانی می دانند، برخی دیگر آن را به کلی انکار می کنند و برخی دیگر نیز به خاطر موقف خود در مقابل آن محافظه کاری می کنند.

واقعیت این است که دسیسه‌چینی پدیده‌ی است هم‌زاد بشریت، همان گونه که با او زاده شده، تا زمان زندگی او نیز باقی خواهد بود؛ اما نه از نگاه دینی و نه هم از نگاه عقلی، هرگز نمی‌توان هر چیز و هر کاری را دسیسه دانست، ما باید بدانیم که دسیسه‌چینی‌ها گاهی به هدف می‌رسند و گاهی نه و گاهی نیز ضرر آن به خود فرد دسیسه‌چین برمی‌گردد، هم‌چنان باید بدانیم که در برخورد و تعامل با این دسیسه‌ها باید از هر دو جهت؛ یعنی خوار کردن یا بزرگ داشتن به‌دور بوده و آن را در جای مناسب آن قرار دهیم، ما باید بیش از این که به جزئیات کشمکش‌ها بپردازیم به قوانین و اصول مناظره و سازگاری با دیگران پرداخته و اشتباهات و ناتوانی‌های خود را به گردن دسیسه‌ها نیندازیم.

خطرناک‌تر از دسیسه‌چینی این است که قربانی بی‌خبری و غفلت از آن، یا برخورد بد با آن و یا هدر دادن اسباب و وسیله‌هایی که خداوند تعالی ما را به توسل بدان امر نموده است؛ شویم.

۱۰۰- تناقضات سودمند

یکی از تصورات شایع در نزد برخی از دعوت‌گران این است که نیروهای ضد اسلامی در یک صف به هم پیوسته به طور دوام‌دار به ضد اسلام گرد آمده‌اند؛ در حالی که واقعیت امر این است که نیروهای دشمن باری در مقابل اسلام هم‌نوا اند و باری اختلاف دارند؛ حتی گاهی اوقات کارهایی می‌کنند که باعث سودرسانی به اسلام و مسلمانان می‌شود، صرف نظر از انگیزه‌هایی که در پس آن وجود دارد.

عقلانیت مسلمان باید نیروهای مخالف را مورد مطالعه و بررسی قرار داده و تناقضات موجود میان آن‌ها را به دقت درک کند و از آن‌ها به نفع کشور و مردم

میثاق شرف در دعوت * ۱۲۵

سود ببرد؛ اما فرورفتن در پندار بیهوده کلی گویی، به نوعی مخالفت با سنت الهی و حقایق تاریخ امروز و دیروز است، این کار نوعی تنبلی عقلی است که افراد با آن از به کار انداختن عقل خویش برای بررسی تناقضات و پیدا کردن راه حل ها فرار می کنند، هم چنان این امر نوعی فریب خودی است که افراد آن می پندارند در تنبلی و ترس خود معذور بوده و محاسبه نمی شوند؛ چون به گمان خود شان ایشان با نیروهایی روبه رو اند که به هیچ وجه توان مقابله با آن را ندارند.

پایان سخن

پایه‌های کمونیزم در پایان سده بیستم سقوط کرد و سرمایه‌داری غربی (کپی‌تالیزم) نیز امروزه امتحان دشواری را سپری می‌کند؛ اصول بزرگ مسلم و بی‌چون و چرای آن متزلزل شده و قوانین پایه آن سخت در معرض پرس و جو قرار گرفت، چشم‌دید مان در غرب در باره این مشرب‌های فکری این است که عوامل قوت و برتری آن روز به روز بازمینی شده و به عوامل سقوط آن هر روز افزوده می‌شود، اما سنت‌های الهی هیچ تغییری نیافته و از هیچ کسی جانب‌داری نمی‌کند. دیگر در روی زمین کسی نمانده که با امکانات در دست‌رس خویش، ناجی بشریت باشد؛ مگر شما ای دعوت‌گران اسلام، هم‌تراز دین باشید، و هم‌تراز عصر تان؛ تا ناخدایان کشتی نجات باشید، به خود نیکی کنید و به همه مردم از مسلمانان گرفته تا نامسلمانان نیز نیکی روا دارید.

مسئولیت شما عمومی است، در هر زمان، مکان و میان همه انسان‌ها، دعوت شما سخن رحمت است و شریعت سبک و آسان، و مرفوع ساختن دشواری‌ها، تنگناها و بندها است، دعوت شما برخاسته از نرمی با مردم است، با همه مردم در روی زمین، همه زمین، بنابراین شما باید وظیفه و مسئولیت تان را درست درک کنید. بدانید که شما دعوت‌گران اید، نه قضاوت‌گران، شما به صلاح آرندگان اید، نه ماجر اجویان بی‌پروا، شما سازندگان اید، نه ویران‌گران، شما شفقت‌کنندگان اید، نه کینه‌توزان، با روحیه‌یی با آن‌ها برخورد کنید که پدر با فرزندش و داکتر با بیمارش رفتار می‌کند، نه با روحیه زندان‌بانی که پیوسته به فکر ستم کردن است و یا با روحیه انسانی که دچار بحران روحی بوده و پیوسته به فکر انتقام گرفتن است.

میثاق شرف در دعوت * ۱۲۷

شما وقتی چنین باشید، هم راشد اید و هم مرشد، هم راه یافتگان اید و هم راه- نمایان، سودمندترین افراد برای بندگان خدا خواهید بود، مردم اهل و عیال خداوند اند و دوست داشتنی ترین ایشان در نزد خداوند سودمندترین شان برای اهل خدا است، این جا است که مردم خود زمام رهبریت شان را به میل و اراده خود- با کمال خیر و نور و صلح و سلامتی به شما می دهند.

این پیمان مجموعه‌یی از قوانین پیش‌نهادی‌یی را در بردارد که از آغاز تا پایان نتیجه تجربه طولانی، خوانش و بررسی پیایی، دیدگاهی عمیق و رنج و تجربه پی- درپی‌یی است؛ تا در دست‌رس مسلمانان و به ویژه حاکمان شان قرار بگیرد و توافق- نامه‌یی باشد برای فعالیت‌های دعوی و دستوری باشد برای اندیشه و عمل، به گونه‌یی که ساحة هماهنگی‌ها، درست‌کاری‌ها و مؤثریت را افزایش داده و در مقابل، از محدوده اختلافات، اشتباهات و بی‌کاری‌ها بکاهد.

امید است که این پیمان از کسانی که در راستای اسلام کار می‌کنند بهره‌ور شده و مورد بررسی و کنکاش عمیق ایشان قرار بگیرد تا با نظریات خویش در حذف برخی از موارد، افزایش، ضمائم، اصلاح، تقدیم و تأخیر، پیش‌نهادهات و ارزیابی‌ها هم‌کاری کنند.

ما به برادرانی که مهربانی کرده و نوشته‌های شان را برای مان می‌فرستند، وعده می‌دهیم که نوشته‌های شان مورد تقدیر و سپاس قرار گرفته و اکنون نیز از ایشان درخواست می‌کنیم که به این یادداشت‌ها به این تعبیر که از ایشان و برای ایشان است، نیز نگاهی انداخته و آنچه می‌خواهند بنویسند، مزد و پاداش تان با خدای باد.

طرح اندیشه‌ها در پرتو روشنایی و مناقشه کردن در باره آن در عالم آشکاراکنی، همان روش نمونه برای شناخت درست و نادرست یک اندیشه است،

برای همین همت کسانی که در راه دعوت مصروف اند، در این میان برانگیخته می‌شود تا از نظریات یک‌دیگر در دعوت به خاطر به‌تر شدن آن استفاده کنند تا باشد که به کمال نزدیک و نزدیک‌تر شود، و به این ترتیب اندیشه‌یی از آب به در آید که در خور مطرح شدن در سازمان‌ها و انجمن‌های اسلامی باشد، این همان هدیه‌ی ما به این سازمان‌ها است که مطابق ویژگی‌ها و امکانات خود قسمتی از این اندیشه را می‌گیرند و چیزی بدان می‌افزایند و آن را گسترش می‌دهند و به این ترتیب کاری به انجام می‌رسد که در آن -به اراده‌ی خدا- خیر بسیاری نهفته است.

یاری و توفیق از آن خدا است، از ذات پاک او می‌طلبیم ما را به جهت رضای خویش توفیق دهد و نیروی مان را در طاعت خویش به کار بندد، او بر هر کاری توانا است.

فراخوانی است برای همه مسلمانان، به ویژه دعوتگران، برای آشنایی با مجموعه‌یی از اصول، قواعد و ایدئولوژی‌ها که مجموعاً میثاق شرف در کار دعوت و دستورالعمل تربیتی را برای اصلاح اندیشه و عمل (فکری و اجرایی) شکل می‌دهد، تا از این طریق دایره همسازی، درستکاری و کارایی افزایش یافته و دایره اختلافات، اشتباهات و ناکارایی‌ها کاهش یابد. این کتاب تلاشی است برای ایجاد دعوتی میانه‌روانه بر پایه یکپارچگی و تنوع؛ یکپارچگی در خاستگاه‌های فکری و عقیدتی که در ایجاد محیطی آگاه به اصول و ثوابت اسلامی نقش مهمی ایفا کند و از این طریق نگاه جهانشمول و همگانی‌یی به زندگی شکل دهد؛ و تنوع در چوکات مشترک انسانیت و فرهنگ، به نوعی که برای هر مسلمان بخرد اجازه نوآوری در چهار چوب فرهنگی و اجتماعی وی داده شده و هر یک به رنگ و ویژگی‌های خاص خود ابراز نظر کنند. و این کتاب خوانشی است که میان دانش و تجربه و وجدان و برنامه ریزی استراتژی پلان شده گره زده است و هدف از آن تحلیل صحنه‌های دعوی با توجه به ابعاد زمانی و مکانی آن‌ها است و در ضمن پیگیری این صحنه‌ها در بعد تمدنی آن، تا به میکانیزم‌های شناختی، روشمند و عملی دست یابیم که توانایی ارتقای سطح فعالیت‌های دعوی مان را داشته باشد و ما را برای شناسایی منابع و نیروهای اثربخش انسانی در ادای وظیفه مهمی که به عهده دارد یاری دهد و وظیفه‌یی که در واقع مسخر کردن زمین، خلیفه شدن در آن و آبادانی آن است.

هشام یحیی طالب

او متولد موصل در ولایت نینوی عراق در سال ۱۹۴۰ است، شهادتنامه لیسانس خویش را از مهندسی برق در دانشگاه لیورپول به سال ۱۹۶۲ به دست آورد و سند دکتورای خود را نیز از مهندسی برق در دانشگاه برادو در شهر لافایت در ایالت اندیانا ایالات متحده آمریکا به سال ۱۹۷۴ کماپی نمود.



ایشان در امریکای شمالی مشغول فعالیت‌های اسلامی عمومی گشت، فعالیت‌هایی که تا کنون نیز در آن کشور ادامه دارد. او وظایف مختلفی را در سازمان‌های اسلامی گوناگون ایفا نموده؛ به عنوان نخستین مدیر تمام وقت در اداره پرورش رهبری در اتحادیه دانشجویان مسلمان در ایالات متحده و کانادا (۱۹۷۷-۱۹۷۵) (MSA)، به عنوان دبیر کل در اتحادیه اسلامی جهانی در سازمان‌های دانشجویی (IIFSO) در سال ۱۹۷۶ بوده و چندین دوره و سمینار آموزش رهبری را در داخل و خارج آمریکا برگزار کرد.



انتشارات قدس
Quds Publication

انتشارات قدس

آدرس: افغانستان، هرات، خیابان دانشجو، مقابل دانشگاه

شماره های تماس: ۰۷۰۳۱۹۴۹۹۰ - ۰۷۸۱۱۹۴۹۹۰

۰۷۹۸ ۱۹۴۹۹۰ ۰۴۰-۲۴۴ ۲۵۰۸

quds4990

Publicationquds@gmail.com

